

موانع بکارگیری مبنای ارزش منصفانه در صنعت بانکداری ایران در سطح کلان

الیاس بدری*، محمدحسین قائمی**

چکیده

هدف این مقاله شناسایی موانع اجرای ارزش منصفانه در صنعت بانکداری ایران از بعد کلان است. ارزش منصفانه بخشی جدانشدنی از مجموعه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است. بر مبنای تجربیات جهانی، اجرای سیستم ارزش منصفانه در صنعت بانکداری به دلیل ماهیت کسب و کار، سطح اهمیت و نوع اقلام صورت‌های مالی، که عمدتاً شامل دارایی‌ها و بدهی‌های مالی است، با چالش‌های بیشتری مواجه است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد ویژگی‌های محیط اقتصادی ایران به همراه بانکداری بدون ربا پیچیدگی‌های بیشتری را در مسیر گذار به مبنای ارزش منصفانه ایجاد کرده است. این موضوعات مبنای اهمیت بررسی ابعاد مختلف و شناسایی موانع گذار به ارزش منصفانه در سطح خرد و کلان، پیش از اجرا است. در این پژوهش ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای با ۴۱ گویه است. پاسخ‌های دریافتی (۱۱۹ پرسشنامه با نرخ بازگشت ۹۰ درصد) با بهره‌گیری از منطق تحلیل فازی و رتبه‌بندی تاپسیس تحلیل شده است. نتایج نشان می‌دهد که از بعد کلان (فرا تر از سطح بانک) ساختار محیط اقتصادی ایران، ناکارایی در سطح بازارها و تاثیر آن بر قیمت‌های قابل مشاهده و ضعف قابل ملاحظه در اعمال قضاوت حرفه‌ای با کیفیت، مهمترین چالش‌های پیش روی بکارگیری مبنای ارزش منصفانه است. همچنین ارتقای سطح نظارتی نهادهای متولی، ایجاد نهاد تخصصی ارزشگذاری و بکارگیری استانداردهای ارزشگذاری از ضرورت‌های اصلی برای اجرای ارزش منصفانه و

* دانشجوی دکتری مالی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران

** دانشیار حسابداری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

نویسنده مسئول: محمدحسین قائمی

ghaemi_d@ikiu.ac.ir

انطباق با الزامات IFRS در صنعت بانکداری ایران می‌باشد. با توجه به این که آثار بکارگیری ارزش منصفانه در صنعت بانکداری گسترده خواهد بود، حرکت به سمت ارزش منصفانه باید با نهایت دقت، احتیاط و به طور زمان‌بندی شده صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: ارزش منصفانه، صنعت بانکداری ایران، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

مقدمه^۱

استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی همواره در جهت بهبود کیفیت و دقت اطلاعات مالی توسعه یافته‌اند. اندازه‌گیری، محور اصلی تهیه اطلاعات مالی است که از گذشته تا کنون تحولات گسترده‌ای داشته است. معیارهای اندازه‌گیری در گذشته بیشتر با تاکید بر موضوع قابلیت‌انکاس تعیین می‌شد اما به مرور زمان و با درک اهمیت مربوط بودن اطلاعات، این چارچوب متحول شده و به جای قابلیت‌انکاس از ویژگی‌های بیان صادقانه و مربوط بودن اطلاعات استفاده می‌گردد. این موضوع باعث شد تا ارزش منصفانه که مربوط بودن از ویژگی‌های ذاتی آن است به عنوان یک محور اساسی اندازه‌گیری در استانداردها مطرح شود. بکارگیری ارزش منصفانه می‌تواند به شفافیت، دقت و به‌روز بودن اطلاعات مالی به خصوص ترازنامه کمک قابل توجهی کند. از آنجا که بکارگیری ارزش منصفانه در فرآیند اجرای IFRS^۲ الزامی است، لذا با درک این ویژگی و لزوم پیاده‌سازی سیستم ارزش منصفانه، در این مطالعه منحصراً با نگاهی موشکافانه به شناسایی موانع و چالش‌های اجرای این مبنای اندازه‌گیری در صنعت بانکداری ایران (که اساساً به دلیل ویژگی‌های محیط اجرایی است، و نه مبنای اندازه‌گیری) می‌پردازیم. به دلیل گستردگی دامنه موضوع، در این مقاله موانع بکارگیری ارزش منصفانه در صنعت بانکداری ایران از ابعاد کلان مورد بحث قرار می‌گیرد. منظور از ابعاد کلان مولفه‌هایی است که خارج از فضای بانک و در سطوح مختلف روی کل فرآیند بکارگیری ارزش منصفانه تاثیرگذار است. اقسام اصلی ترازنامه در بانک‌ها شامل دارایی‌ها و بدهی‌های مالی است که ارائه و افشای این اقلام نیازمند اندازه‌گیری یا برآورد ارزش منصفانه است. این موضوع اهمیت بکارگیری مبنای ارزش منصفانه در صنعت بانکداری را افزایش می‌دهد. افزون بر آن، ارزشگذاری دارایی‌ها

و بدهی‌های مالی نسبت به سایر اقسام، پیچیدگی‌های بیشتری دارد. اندازه‌گیری ارزش منصفانه^۳ موضوع IFRS13 است. علاوه بر سایر استانداردهایی که در آنها اندازه‌گیری ارزش منصفانه الزامی یا مجاز شده است (به شرح جدول ۱)، IFRS7 با موضوع افشای ابزار مالی و IFRS9 با موضوع طبقه‌بندی و اندازه‌گیری ابزار مالی، به خصوص در صنعت بانکداری، با IFRS13 رابطه تنگاتنگی دارد. تجربه جهانی نشان می‌دهد گذار از ارزش‌های تاریخی به ارزش‌های منصفانه می‌تواند مخاطراتی به همراه داشته باشد. شماری از پژوهشگران بحران مالی سال ۲۰۰۸ را به نوعی به ارزش منصفانه نسبت داده و یا آن را در تشدید بحران موثر دانسته‌اند. خاستگاه این بحران در کسب و کار بانکداری بود. در مقاله‌ای از رابرت پازن (۲۰۰۹) آمده است: "حسابداری بر مبنای ارزش بازار؛ دلیل اصلی بحران سیستم مالی در سال ۲۰۰۸ بود"، همچنین به نقل از برایان وزبری^۴ آمده است: "حسابداری ارزش منصفانه موجب شد تا مشکل بزرگ به فاجعه تبدیل شود" زیرا موجب شد ارزش بخش عمده‌ای از تسهیلات خرید ملک، قرضه‌های شرکتی و سایر اوراق بدهی مشابه، که به عنوان دارایی مولد طبقه‌بندی شده بود، به دلیل انجماد بازار، به کمتر از ارزش واقعی خود کاهش یابد و در نتیجه ارزش بدهی‌های بانک‌ها بیش از ارزش دارایی‌های آنها شود. پس از آن که بانک‌ها دست به فروش این دارایی‌ها زدند، فشار مضاعفی بر بازار وارد شده و قیمت‌ها با کاهش‌های شدیدتری مواجه شد. این موضوع برخی سیاستمداران آمریکا و اروپا را بر آن داشت تا بحث تعلیق اجرای ارزش منصفانه را مطرح کنند. البته این ادعاها بدون پاسخ نبود، لیساکونس^۵ پروفیسور حسابداری دانشگاه تگزاس در گزارشی این ادعا را به منزله "مقصر دانستن پیام‌رسان" تعبیر کرد. در حقیقت حامیان این رویکرد معتقدند حسابداری ارزش منصفانه به درستی موجب شد مجموعه‌ای از تصمیم‌گیری‌های اشتباه در سیستم بانکی به سرعت و دقت منعکس شود.

صرف نظر از قضاوت در مورد این موضوعات، گستردگی بحث‌ها و مجادلات، خود گواهی بر پیچیده و حساس بودن گذار از ارزش‌های تاریخی به ارزش‌های منصفانه، به ویژه در صنعت بانکداری با ذینفعان متعدد و متنوع است. به علاوه ویژگی‌های محیط اقتصادی ایران نظیر ساختار حاکمیتی، قوانین و مقررات، شرایط اقتصادی، سطح توسعه‌یافتگی بازارها و ویژگی‌های صنعت بانکداری مانند مقررات بانکداری بدون ربا^۶ (ویژگی‌های محصولات بانکی، رابطه و کالتی با سپرده‌گذار و عدم شفافیت به دلیل تفاوت

محتوا از اجرا) و برخی مشکلات ساختاری سیستم بانکی، نظیر حجم بالای دارایی‌های منجمد و تسهیلات غیرجاری، در کنار ناآشنایی و جدید بودن مبنای ارزش منصفانه در نظام گزارشگری مالی و ارزشگذاری در ایران از جمله عوامل مهمی است که اهمیت و کلیدی بودن این مطالعه را پیش از فرآیند اجرا مشخص می‌کند. اجرای ارزش منصفانه به عنوان بخشی از فرآیند گذار به گزارشگری مالی بر مبنای IFRS با تمام نقات قوتی که دارد اگر به درستی، با امکان‌سنجی و با آمادگی کافی همه نهادهای دست‌اندرکار گزارشگری مالی بانک‌ها صورت نگیرد، می‌تواند پیامدهای گسترده نامطلوبی را به همراه داشته باشد. لذا ضرورت دارد تا پیش از اجرای ارزش منصفانه الزامات، موانع و زیرساخت‌های مورد نیاز برای گزارشگری مالی ارزش منصفانه در بانک‌های ایران شناسایی گردد تا بتوان برای رفع موانع و یا حداقل کردن آثار نامطلوب آن چاره‌جویی کرده و برای تمهید زیرساخت‌های مورد نیاز آن نیز برنامه ریزی کرد. نوآوری در این مطالعه جدا از محدوده موضوعی آن، که منحصراً به شناسایی چالش‌های بکارگیری مبنای ارزش منصفانه در صنعت بانکداری ایران می‌پردازد، به دلیل روش بکارگرفته شده در تحلیل فازی و ایجاد چارچوبی برای دریافت دیدگاه‌های نهادی در کنار دیدگاه افراد خبره قابل توجه می‌باشد. در ادامه پس از مرور مبانی نظری و پیشینه، روش شناسی پژوهش تشریح و در انتها با ارائه یافته‌های پژوهش به بحث و نتیجه‌گیری موضوعات پرداخته می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه

به‌زعم منتقدان نظام بهای تمام‌شده تاریخی، گزارشگری سود بدون شناسایی تغییرات در ارزش دارایی‌ها و بدهی‌ها، گمراه‌کننده است و منجر به اتخاذ سیاست‌های نادرست در تقسیم سود می‌گردد، زیرا ممکن است در نتیجه نگهداشت دارایی‌ها یا بدهی‌ها، سودها یا زیان‌هایی ایجاد شود که هنگام ارزیابی عملکرد طبق یک مبنای منظم، باید شناسایی شود. یکی از سازوکارهایی که موجب انتقال ثروت از سهامداران به سپرده‌گذاران یا بالعکس در دوره‌های زمانی متفاوت می‌گردد همین موضوع است. از طرفی ساختار بانکداری اسلامی نیز در مورد عدم تقسیم این سود و زیان‌ها بین مالکان این حقوق در همان زمان، پیچیدگی‌های بیشتری را ایجاد می‌کند. اما بر اساس دیدگاه بهای تمام‌شده تاریخی، معمولاً تغییرات در ارزش دارایی‌ها، تا زمان فروش، واگذاری، کاهش ارزش و یا حذف آنها از حساب‌ها نادیده انگاشته می‌شود.

اما در مقابل، حسابداری ارزش منصفانه (قیمت‌های خروجی)^۷ سیستمی است که در آن برای اندازه‌گیری وضعیت و عملکرد مالی شرکت از قیمت‌های بازار استفاده می‌شود. این سیستم دو انحراف عمده از حسابداری بهای تمام‌شده تاریخی دارد؛ یکی این که ارزش برخی دارایی‌های غیر پولی به منظور اندازه‌گیری تغییر در قیمت‌های بازار تعدیل می‌شود، که این تغییرات تحت عنوان «سودهای تحقق نیافته»^۸ در سود یا زیان دوره منعکس می‌گردد. دیگر این که در زمان اندازه‌گیری دارایی مالی، تغییرات قدرت خرید پول نیز مدنظر قرار می‌گیرد. طبق سیستم حسابداری ارزش منصفانه، دارایی‌ها در ترازنامه بر اساس ارزش‌های خروجی^۹ گزارش می‌شود و سود بر اساس یک مفهوم "جامع"، اندازه‌گیری می‌گردد؛ مفهومی که در بردارنده تغییر واقعی در ارزش تمام عناصر شناسایی شده حقوق مالکانه است که بیانگر سیستم حسابداری مازاد خالص^{۱۰} می‌باشد. نهایتاً می‌توان گفت که ارزش منصفانه به عنوان یک سیستم جدید اندازه‌گیری در حسابداری، طی زمان و با وجود تمام نقاط قوت و ضعف و مناقشات در جامعه دانشگاهی و حرفه به عنوان روشی که در یک دامنه مشخص، فراهم‌کننده اطلاعات مفیدتر برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی است، پذیرفته‌شده و بکارگیری گسترده آن در استانداردهای حسابداری و گزارشگری اطلاعات مالی رواج یافته است.

ارزش منصفانه در IFRS

از دیدگاه استاندارد ارزش منصفانه از چهار جنبه؛ (۱) ویژگی اطلاعات و نحوه انتخاب روش اندازه‌گیری در چارچوب مفهومی IFRS، (۲) چگونگی اندازه‌گیری ارزش منصفانه بر اساس IFRS 13، (۳) دامنه استانداردهایی که ارزش منصفانه در آن کاربرد دارد (که با توجه به کسب و کار بانکی تمرکز بر IFRS 9 است) و (۴) افشاهای مرتبط با آن (عموماً IFRS 13 و IFRS 7)، قابل بررسی می‌باشد.

در بسیاری از متون حسابداری مالی، استانداردها و حتی بیانیه‌های مأموریت سازمان‌های استانداردگذار و ناظر همواره مفید بودن اطلاعات^{۱۱} به عنوان یک مفهوم و لازمه اصلی مطرح می‌گردد. طبق آخرین ویرایش چارچوب مفهومی گزارشگری مالی بین‌المللی "اطلاعات مالی وقتی مفید خواهد بود که مقصود خود را به گونه‌ای مربوط^{۱۲} و صادقانه^{۱۳} بیان کند و در کنار آن ویژگی‌هایی از قبیل قابلیت مقایسه^{۱۴}، قابلیت تایید^{۱۵}، به موقع بودن^{۱۶} و قابلیت درک^{۱۷}، سطح مفید بودن (سودمندی) این اطلاعات را ارتقا دهد". بنابراین اساس بکارگیری روش‌های مختلف اندازه‌گیری تحقق این ویژگی‌ها خواهد بود.

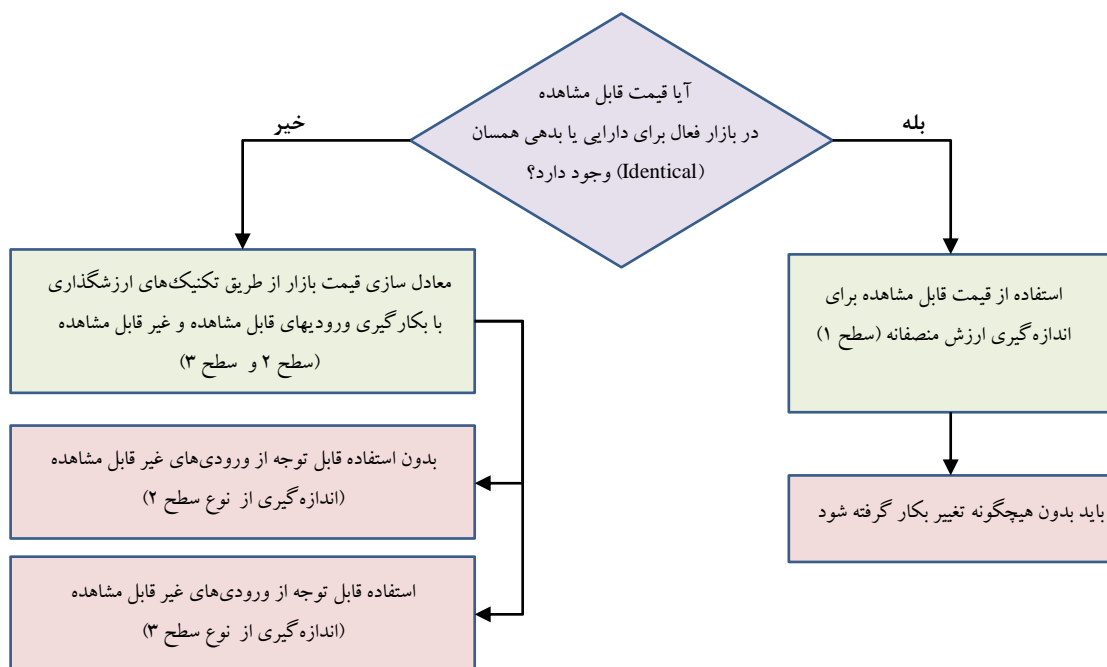
طبق IFRS13، ارزش منصفانه؛ "قیمتی است که بر اساس یک معامله (متعارف) قاعده‌مند بین فعالان بازار در تاریخ اندازه‌گیری در ازای فروش دارایی قابل دریافت و یا در ازای انتقال بدهی، قابل پرداخت است". دو وجه اصلی در این تعریف، قاعده‌مند بودن معامله و ویژگی‌های فعالان بازار است. برای بکارگیری مبنای ارزش منصفانه باید شرایط تعیین شده در این تعریف که در این استاندارد به تفصیل شرح داده شده است، ابتدا به خوبی درک شود و سپس توسط تهیه‌کنندگان اطلاعات احراز گردد. حتی زمانی که برای تعیین ارزش منصفانه، بازاری وجود ندارد اندازه‌گیری باید بر اساس تمامی مفروضات فعالان یک بازار فرضی که ویژگی‌های فوق را داشته باشد، تعیین گردد. عوامل موثر در یک معامله که در این استاندارد مطرح می‌شود، عبارت است از:

۱. واحد حساب: سطحی که در آن دارایی یا بدهی در یک استاندارد برای اهداف شناخت، تجمیع یا طبقه‌بندی می‌شود. این واحد بر اساس استناداری که ارزش منصفانه را برای آن دارایی یا بدهی مجاز و یا الزامی کرده است تعیین می‌شود و اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید بر اساس آن صورت گیرد.
۲. ویژگی‌های دارایی و یا بدهی: (صرفاً شامل ویژگی‌های نهفته در خود دارایی و یا بدهی است)^{۱۸}، ویژگی‌هایی است که فعال بازار که قصد خرید دارد آنها را در ارزیابی ارزش دارایی مدنظر قرار می‌دهد. برای مثال، مفاد قراردادی (مثل سررسیدها، نرخ‌ها)، محدودیت‌های فروش (مثلاً میزان، زمان و یا بازار محدود شده برای فروش)، قابل مشاهده/غیر قابل مشاهده^{۱۹} بودن قیمت (در دسترس بودن بازار فعال برای دارایی مورد نظر)
۳. نوع بازار: طبق استاندارد دو تعریف اساسی زیر برای آن مطرح می‌گردد. بازار اصلی؛ بازاری که بیشترین حجم و سطح فعالیت برای دارایی و یا بدهی را دارا است و با صرفه‌ترین بازار؛ بازاری که در آن مبلغ دریافتی برای فروش دارایی حداکثر و مبلغ پرداختی برای انتقال بدهی حداقل است. عموماً انتظار می‌رود به دلیل رقابت، فرصت آریبیتراژ به سرعت از بین برود که در این صورت، دو بازار یکی خواهد بود. موضوع مهم دیگر در تعیین بازاری که معامله در آن صورت می‌گیرد این است که واحد تجاری باید به آن بازار دسترسی داشته باشد تا بتواند بر اساس مفروضات آن ارزش منصفانه را اندازه‌گیری کند.
۴. ویژگی‌های فعالان بازار: طبق IFRS13، فعالان بازار شامل خریداران و فروشندگان هستند که در جهت بهترین منافع اقتصادی خود (حداکثر کردن ارزش دارایی‌هایشان و

حداقل کردن ارزش بدهی‌هایشان) عمل می‌کنند و چهار ویژگی اصلی دارند؛ الف) به طور مستقل و فقط در جهت منافع اقتصادی خود عمل می‌کنند، ب) دانش و آگاهی قابل قبولی درباره فضای بازار و دارایی و بدهی مورد معامله دارند، پ) قادر و مایل به ورود به معامله هستند.

سطوح ارزش منصفانه موضوع دیگری که در IFRS13 مطرح است. اندازه‌گیری ارزش منصفانه با توجه به درجه اطمینان اندازه‌گیری، به سه سطح تقسیم می‌شود؛ از آنجا که اساساً به دلیل ماهیت، قابلیت اتکا در مبنای ارزش‌های جاری (از جمله ارزش منصفانه) تا حدی کاهش می‌یابد، در استاندارد سه سطح برای ارزش منصفانه تعیین گردیده است که از سطح یک به عنوان قابل اتکاترین (قیمت‌های قابل مشاهده بازار فعال) مقادیر شروع می‌شود و به سطح سه (قیمت‌های برآوردی بر اساس مدل‌ها) که کمترین قابلیت اتکا را دارد ختم می‌شود. نحوه اعمال سطوح سه گانه ارزش منصفانه، در شکل ۱ تشریح شده است.

شکل ۱. سطوح ارزش منصفانه



اگر ارزش منصفانه دارایی یا بدهی را بتوان به طور مستقیم با مشاهده قیمت‌ها در بازار فعال

تعیین کرد (سطح ۱ ارزش منصفانه)، فرآیند اندازه‌گیری ارزش منصفانه، کم هزینه، ساده و قابل فهم است و مقادیر ارزش منصفانه از طریق مشاهده مستقیم (مستقل از هرگونه فرض و توضیح اضافی) قابل تأیید خواهد بود. اما گاهی اوقات که قیمت‌ها به طور مستقیم در بازار فعال قابل مشاهده نیست (سطح ۲ و سطح ۳ ارزش منصفانه)، نیاز به استفاده از تکنیک‌های ارزشگذاری از جمله، تکنیک‌های اندازه‌گیری مبتنی بر جریان نقدی است. در صورت نیاز به استفاده از تکنیک ارزشگذاری، بسته به نوع تکنیک مورد استفاده، بکارگیری شیوه‌های ارزشگذاری و برآورد داده‌های ورودی به آن می‌تواند پیچیده و هزینه بر باشد. همچنین انتخاب داده‌های ورودی به فرآیند و همچنین روش اندازه‌گیری، تحت تاثیر فرآیندهای قضاوت حرفه‌ای است. به تأیید رساندن توأمان داده‌های ورودی و اعتبار فرآیند اندازه‌گیری، کار دشواری خواهد بود. در نتیجه، این امکان وجود دارد که مقادیر اندازه‌گیری شده برای دارایی‌ها یا بدهی‌های یکسان، متفاوت باشد که این امر قابلیت مقایسه را کاهش می‌دهد. شفاف بودن اطلاعات و سطح توسعه یافتگی بازارها در کنار کیفیت قضاوت حرفه‌ای می‌تواند اثر قابل توجهی بر قابلیت اتکا و قابلیت مقایسه این اطلاعات داشته باشد.

موضوع حائز اهمیت دیگر دامنه بکارگیری ارزش منصفانه است که در این جا به اهم آن اشاره شده است. در صنعت بانکداری با توجه به حجم بالای دارایی‌های مالی و بدهی‌های مالی، عمده اثرات و تغییرات بکارگیری مبنای ارزش منصفانه ناشی از ابزار مالی (IFRS9) خواهد بود و در کنار آن نیز مواردی مانند سرمایه‌گذاری در املاک، دارایی‌های ثابت و دیگر مواردی که در جدول ۱ بیان شده است، از نظر اهمیت در سطوح بعدی قرار دارند.

جدول ۱. دامنه بکارگیری ارزش منصفانه

الزام افشا براساس IFRS13	نحوه بکارگیری ارزش منصفانه	استاندارد
خیر	الزامی، به همراه یک استینا (Goodwill/قراردادهای مستقل قبلی)	IFRS3 (ترکیب‌های تجاری)
بله	به عنوان سقف (Ceiling)، در صورتی الزامی است که ارزش منصفانه منهای هزینه‌های فروش کمتر از مقدار دفتری باشد	IFRS5 (دارایی‌های غیر جاری نگهداری شده به قصد فروش و یا عملیات متوقف شده)

بله	الزامی، بستگی به مدل کسب و کار و نوع ابزار دارد	IFRS9 (ابزارهای مالی)
بله	اختیاری (Optional)، بر اساس انتخاب رویه حسابداری	IAS16 (املاک، ماشین-آلات و تجهیزات)
خیر	الزامی، فقط برای دارایی‌های طرح بازنشستگی	IAS9 (مزایای کارمندان)
خیر	به عنوان سقف، در صورتی الزامی است که ارزش منصفانه منهای بهای فروش یا خارج کردن از حساب (Disposal) کمتر از مقدار دفتری و بیشتر از ارزش استفاده از آن باشد	IAS36 (کاهش ارزش دارایی‌ها)
بله	اختیاری، بر اساس انتخاب رویه حسابداری البته در صورتی که بازار فعال برای دارایی وجود داشته باشد- که البته معمول نیست.	IAS38 (دارایی‌های نامشهود)
بله	اختیاری، بر اساس انتخاب رویه حسابداری	IAS40 (سرمایه گذاری در املاک)
بله	الزامی، ارزش منصفانه منهای بهای فروش اکثر دارایی‌های بیولوژیکی	IAS41 (فعالیت‌های کشاورزی)

به دلیل پیچیدگی فرآیندهای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، الزامات افشای آن نیز اهمیت مضاعفی دارد. تشریح فرآیند اندازه‌گیری شامل نحوه انتخاب روش و تعیین مفروضات آن به خصوص در سطح سوم ارزش منصفانه از جمله موارد اساسی در این افشائیات است. لازم به ذکر است که استاندارد ملی شماره ۴۲: ارزش منصفانه (مصوب ۱۳۹۹)، از ابتدای سال ۱۴۰۰ لازم‌الاجرا شده است که منطبق بر الزامات تبیین شده در IFRS 13 است. البته به دلیل عدم وجود استاندارد متناظر با IFRS 9 (ابزارهای مالی) در حال حاضر، بخش قابل توجهی از اثرات این استاندارد بر صنعت بانکداری نادیده گرفته می‌شود.

چارچوب و استانداردهای ارزشگذاری

در این قسمت با درک اهمیت نقش حرفه ارزشگذاری به عنوان یکی از خدمات دهندگان اصلی در پیاده‌سازی ارزش منصفانه به عنوان ارزش گذاران مستقل، از دیدگاه اجرایی رویکرد نسبت به استانداردها و حرفه ارزشگذاری، با توضیحی از استانداردهای بین‌المللی ارزشگذاری، رویکرد جامعه بین‌المللی تسببت به نظام ارزشگذاری و سپس

نهادهای داخلی ارزشگذاری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

برخی از مفاهیم موجود در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، همچون مفهوم بالاترین و بهترین استفاده، از استانداردهای بین‌المللی ارزشگذاری (IVS) گرفته شده است. این استانداردها باید با آخرین تغییرات در حوزه حسابداری همگرایی داشته باشد تا بتواند به هدف خود یعنی افزایش اطمینان به ارزشیابی‌های ارائه‌شده در صورت‌های مالی، دست یابد. استانداردهای ارزشگذاری با کیفیت بالاتر، می‌تواند در فرآیند اندازه‌گیری شفاف و دقیق به ارزشگذاران و حساب‌رسان، کمک نماید.

IVSC به عنوان شورای استاندارد گذار، استانداردهای حرفه‌ای (موضوعی- نوع دارایی) را در کنار استانداردهای فنی (نحوه اندازه‌گیری) منتشر نموده است و الگوهای اخلاقی را برای هدایت و تعیین شایستگی ارزشیابان حرفه‌ای، ارائه می‌نماید. در ادامه مهم‌ترین بخش‌های استانداردهای بین‌المللی ارزشگذاری ارائه می‌شود.

هدف استانداردهای بین‌المللی ارزشگذاری، افزایش اعتماد و اطمینان استفاده‌کنندگان از خدمات ارزشگذاری است که از طریق وضع رویه‌های ارزشگذاری شفاف و یکپارچه به وقوع می‌پیوندد. همانند دیگر خدمات حرفه‌ای، ارزشگذاری نیز نیاز به مهارت و قضاوت حرفه‌ای دارد، چراکه ممکن است حقایق و شرایط ارزشیابی مورد به مورد تفاوت داشته باشد، و به همین علت بسته به شرایط، برای ارزشیابی صحیح، در استانداردها ویژگی‌هایی تعیین می‌شود که باید هنگام قضاوت حرفه‌ای، به آنها توجه داشت. همچنین به دلیل آنکه استانداردهای بین‌المللی ارزشگذاری در سطح جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرد تا حد امکان به صورت کلی یا در قالب موضوعات کلی وضع شده است تا در بازارها و کشورهای مختلف قابلیت بکارگیری داشته باشند. لذا در الزامات استانداردها، به جای تشریح رویه‌های گام به گام، بیشتر بر اصول تاکید دارد. این موضوع حاکی از اهمیت و اثرگذاری توانایی‌های قضاوت حرفه‌ای در محیط اجرایی است. برای رسیدن به یکپارچگی در ارزشیابی‌ها، باید اصول طراحی شده به همراه اطلاعاتی ارائه شود که شرایط کاربرد آن اصول را به خوبی تعیین و تشریح نماید. به طوری که تفسیرها و برداشت‌های مختلف از آن صورت نگیرد. همراهی الزامات استاندارد ارزشگذاری با موارد توضیحی که باعث یکپارچگی تفسیر و کاربرد آن الزامات در میان استانداردهای دیگر نهادهای حرفه‌ای شود (برای مثال همگرایی با IFRS) ضروری است. ساختار استانداردهای بین‌المللی

ارزشگذاری سه بخش دارد:

۱. چارچوب استانداردهای بین‌المللی ارزشگذاری، که مانند چارچوب مفهومی IFRS، مقدمه‌ای بر استانداردهای بین‌المللی ارزشگذاری است که اصول و مفاهیم عمومی پذیرفته شده در ارزشگذاری را معرفی می‌نماید.

۲. استانداردهای بین‌المللی عمومی ارزشگذاری، که الزاماتی را تعیین می‌کند که در تمامی ارزشگذاری‌ها کاربرد دارد. به عبارت دیگر این الزامات، برای تمامی دارایی‌ها و برای هر نوع اهداف ارزشگذاری کاربرد دارد. این بخش بر اساس آخرین ویرایش استانداردها شامل؛ IVS101 (قلمرو ارزشگذاری)، IVS102 (بررسی و انطباق)، IVS103 (گزارشگری)، IVS104 (مبنای ارزش)، IVS105 (رویکردها و روش‌های ارزشگذاری) است.

۳. استانداردهای بین‌المللی ارزشگذاری دارایی‌ها که بر اساس نوع دارایی‌ها الزامات اندازه‌گیری خاصی را برای هر طبقه مطرح می‌نماید. شامل؛ IVS200 (استانداردهای کسب‌وکار و منافع کسب‌وکار)، IVS210 (دارایی‌های نامشهود)، IVS300 (ماشین‌آلات و تجهیزات)، IVS400 (منافع املاک و مستغلات)، IVS410 (استانداردهای ساخت و توسعه املاک و مستغلات)، IVS500 (ابزارهای مالی).

آن چه که در بررسی تجربه کشورها به طور مشترک به چشم می‌خورد، تاکید بر اصول و استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری به عنوان سرلوحه کار ارزشگذاری و لزوم به روز نگه داشتن ارزیابان و حرفه ارزیابی متناسب با تغییرات متدولوژیک و کاربردی است، لذا می‌توان گفت آشنایی و بکارگیری استانداردهای تدوین شده توسط شورای استانداردهای بین‌المللی ارزشگذاری (IVSC) که مورد توافق فراگیر جامعه بین‌المللی است از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. همچنین بخش مهم دیگر که به طور مشترک در تمامی کشورها مورد تاکید واقع شده است وجود مجموعه کدهای اخلاقی برای فعالان حرفه و نظارت کارا و موثر بر اجرای آن است. در هر کشور نیز بر اساس شرایط و نیازهای خاص، مجموعه قوانین تکمیلی که استانداردهای ارزشگذاری نیز در قالب آن اجرا می‌شود، وجود دارد. به اعتقاد دیوید تویدی رئیس IVSC این مجموعه استانداردها هیچ‌گونه دخل و تصرف و جایگزینی برای قوانین داخلی کشورها نیست و در حقیقت مجموعه این الزامات مکمل یکدیگر بوده و با هدف شفافیت، دقت، قابلیت مقایسه و قابلیت اتکا بالاتر وضع می‌گردد.

در حال حاضر، در ایران دو نهاد متولی رسمی برای حرفه ارزیابی شامل کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز امور مشاوران حقوقی و کلا و کارشناسان قوه قضائیه است. از این رو استقلال این نهادها که یکی زیرمجموعه قوه مجریه و دیگری زیرمجموعه قوه قضائیه است با ابهاماتی مواجه است. بر اساس بیانیه اهداف این نهادها، هدف از تشکیل آنها عموماً حل و فصل مسائل قضایی و اختلافات است و پاسخگویی طیف گسترده‌ای از نیازهای ارزیابی و ارزشگذاری (به ویژه مقاصد گزارشگری مالی) نیست. این نهادها از لحاظ ظرفیت‌های اجرایی و آموزشی نیز با محدودیت‌هایی مواجه هستند. گواه روشن این موضوع، احساس نیازی است که منجر به ایجاد نهاد دومی شده است که به صورت موازی فعالیت می‌کند، با این حال همچنان به نظر می‌رسد این نهادها موفق به حل مشکل نشده‌اند. قوانین و مقررات قدیمی، عدم وجود مجموعه‌ای کامل از استانداردهای ارزشگذاری مدون و مصوب، کدهای اخلاقی و نظارت موثر بر اجرای آنها از دیگر نکات قابل توجهی است که نشان دهنده وجود شکاف بین وضع موجود ساختار ارزشگذاری در کشور با شرایط مطلوب و مورد انتظار بین‌المللی در حیطه ارزشگذاری است. با اجرای گسترده استاندارد ارزش منصفانه و وجود ضعف‌های فعلی در این سیستم، این احتمال وجود دارد که نه تنها آثار مثبتی از لحاظ گزارشگری مالی (مربوط بودن، شفافیت) ایجاد نشود، بلکه این تغییر خود به مشکلات و چالش‌های بیشتری نیز دامن بزند. پرداختن به جایگاه ارزشیابان و توسعه فعالیت‌های آنها در قانون بازار سرمایه می‌تواند نقطه شروع مناسبی برای ایجاد نهادهای حرفه‌ای ارزشگذاری باشد. همچنین شرکت‌های تامین سرمایه و مشاوره سرمایه‌گذاری نیز در مجموعه خدمات خود ارزشگذاری و یا مشاوره ارزشگذاری ارائه می‌دهند. توسعه و تخصصی‌سازی هر چه بیشتر این نهادها می‌تواند فرآیند اجرای ارزش منصفانه را تسهیل کرده و کیفیت خروجی‌ها را ارتقاء دهد.

پیشینه

نظر به این که در این پژوهش مبنای اصلی چارچوب مفهومی و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با محوریت ارزش منصفانه است و بستر اجرای این استانداردها شامل صنعت بانکداری، محیط قانونی، محیط اقتصادی و محیط حرفه می‌باشد، این دامنه در دو سطح داخلی^{۲۰} و بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته است. ویژگی‌های حائز اهمیت در انتخاب

تحقیقات منتخب وجود ارتباط موضوعی روشن، معتبر بودن و یا انتشار از طریق نهادهای رسمی و متولی بوده است. در ادامه اهم تحقیقات منتخب در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- پیشینه مهمترین مطالعات بین‌المللی و داخلی

نویسنده	سال	موضوع	نتیجه
SEC United states security & exchange commission	2008	بررسی پیامدهای به کارگیری ارزش‌های منصفانه در گزارشگری مالی و اثر آن بر شکل‌گیری بحران مالی	در این گزارش خاطرنشان شده است که اگر چه پذیرش بکارگیری ارزش‌های منصفانه در گزارشگری مالی دلیل بروز بحران نبوده، اما باعث تشدید و طولانی‌تر شدن بحران شده است. در این میان بیشترین اثر بر بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، کارگزاران، بیمه‌ها و سایر نهادهای واسطه‌گری مالی واقع شده است. علاوه بر این چالش‌های اندازه‌گیری و افشای ارزش‌های منصفانه نیز در چهار حوزه اصلی طبقه‌بندی شده است. ۱- غیر قابل اتکا بودن ارزش منصفانه (در غیاب قیمت‌های بازار) ۲- افزایش نوسان سود حسابداری ۳- تناقض اندازه‌گیری ارزش‌های جاری دارایی و بدهی‌ها با فرض تداوم فعالیت ۴- ارزش منصفانه، ارزش اقتصادی ابزارهای مالی را در شرایطی که بازارها دچار رکود هستند کمتر از واقع نشان می‌دهد و موجب اثر فراچرخگی (procyclicality) می‌شود.
Ding & Su	2009	پیاده‌سازی IFRS در بازارهای کنترل شده	این مقاله به بررسی نحوه اجرای IFRS در چین که بازارهایی با ماهیت کنترل شده دارد پرداخته است، در این میان یک نگرانی بزرگ بکارگیری ارزش منصفانه است، نهادهای ناظر در چین به شدت با این موضوع مخالف هستند و بر اساس استانداردهای حسابداری ملی چین نیز کارشناسان استانداردگذار معتقدند که گذار به ارزش‌های منصفانه باید با دقت و به آهستگی صورت گیرد چرا که قیمت‌ها در بازارهای توسعه نیافته ممکن است مبنای مناسبی برای نشان دادن ارزش منصفانه نباشد. همچنین در استانداردهای مرتبط با سرمایه‌گذاری در املاک، محصولات زیست‌شیمیایی و دیگر استانداردها اجازه استفاده از ارزش منصفانه زمانی وجود دارد که بازار فعال باشد که ارزش منصفانه به شکل قابل اتکایی از آن استخراج شده و قابلیت تاییدپذیری داشته باشد. IASB نیز این احتیاط چین در بکارگیری ارزش منصفانه را مورد تایید قرارداد و آن را به عنوان نمونه مناسبی برای سایر بازارهای در حال توسعه معرفی کرد. همچنین IASB با نهادهای ناظر چین به این توافق رسیدند که قیمت‌های معاملاتی در بازارهایی که فعال نبوده و یا معاملات به صورت قاعده‌مند صورت نمی‌گیرد نباید به طور خودکار به عنوان ارزش منصفانه در نظر گرفته شود.

نویسنده	سال	موضوع	نتیجه
American Bankers Association	2009	اصولی از اوراق بدهی و وام‌ها که باید برای طراحی مدل جدید حسابداری رعایت گردد	در این گزارش چند موضوع کلی مطرح شده و در حقیقت استفاده کامل از ارزش منصفانه در صنعت بانکداری را نادرست قلمداد کرده است. ۱- حسابداری باید نیازهای مجموعه وسیعی از استفاده‌کنندگان را پاسخ دهد، نه فقط کسانی که علاقه به اندازه‌گیری به قیمت‌های بازار را دارند. ۲- حسابداری باید منعکس‌کننده مدل کسب‌وکار باشد (معاملاتی‌ها باید به ارزش بازار، عملیاتی‌سنتی بانکداری بهای مستهلک شده). ۳- یک لباس تن همه نمی‌رود. حسابداری باید منعکس‌کننده اهداف هر یک از جنبه‌های کسب‌وکار باشد. ۴- برای هر گذاری باید بازه متناسب آن فراهم شود. ۵- تغییر رژیم حسابداری باید مورد آزمون هزینه-منفعت قرار بگیرد و تایید شود.
Blankespoor et. al	2013	حسابداری ارزش منصفانه برای ابزار مالی: رابطه بین اهرم بانک و ریسک اعتباری	هرگاه عمده ابزار مالی در صورتهای مالی بانکها به ارزش منصفانه گزارش شود. روابط بین نسبت‌های اهرمی و ریسک اعتباری در صنعت بانکداری قوی‌تر خواهد شد. لذا صورتهای مالی بانکها که ابزار مالی آن بر مبنای ارزش منصفانه منعکس شده‌اند به نحو بهتری ریسک اعتباری ذاتی در مدل کسب‌وکار بانک را نشان می‌دهد. البته این بدان معنا نیست که حسابداری بر مبنای ارزش‌های منصفانه مدل ارجح حسابداری در صنعت بانکداری قلمداد شود.
Bird & Ruchti	2014	هزینه-منفعت حسابداری ارزش منصفانه: شواهد از یک بحران	با ارائه مدلی، اثر گزارشگری ارزش منصفانه در بانکها شامل هزینه-فایده مزایای شناسایی ارزش‌های بالاتر برای دارایی‌ها و هزینه‌های تغییرپذیری‌های آتی بیشتر، بررسی شده است. این مدل رابطه مثبت بین گزارشگری ارزش منصفانه و نسبت کفایت سرمایه بانک را پیش‌بینی می‌کند. البته این همبستگی با افزایش ثبات اقتصادی به مرور زمان کاهش می‌یابد.
Goh et. al	۲۰۱۵	قیمت‌گذاری بازار نسبت به ارزش منصفانه دارایی‌های بانکی از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸	با بررسی نحوه قیمت‌گذاری دارایی‌های بانکها بر اساس ارزش منصفانه (مطابق SFAS 157) توسط سرمایه‌گذاران از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱، یافته‌ها نشان می‌دهد که اطلاعات سطح ۳ نسبت به اطلاعات سطح ۱ و ۲ به کسر قیمت‌گذاری می‌شود، اما به مرور زمان با به ثبات رسیدن اقتصاد و اعمال چارچوب‌های نظارتی شدت این ضریب کاهش یافته است. علاوه بر این در ارتباط با اطلاعات سطح ۱ و ۲ نیز برای بانک‌هایی با نسبت کفایت سرمایه پایین‌تر قیمت‌گذاری سرمایه‌گذاران به شکل معناداری پایین‌تر بوده است.

نویسنده	سال	موضوع	نتیجه
Song	۲۰۱۵	مربوط بودن ارزش منصفانه: شواهد تجربی از اثرات نواسانات بازار	در این مطالعه اثر نواسانات بازار بر مربوط بودن ارزش منصفانه از طریق مدل اولسون تعدیل شده بررسی شده است. یافته‌ها در نمونه‌ای از شرکت‌های مالی امریکایی در دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که هنگام نواسانات بالا، ارزش منصفانه با تنزیل قابل توجهی قیمت گذاری می‌شود همچنین اثر بخشی ارزش منصفانه رابطه معکوسی با سطح نواسانات بازار دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که فعالان بازار با درک درست نسبت به نحوه اثر گذاری تلاطمات بازار بر ارزش منصفانه آن را قیمت گذاری می‌کنند.
علی تقی	۱۳۸۱	نقد بهای تاریخی	تبیین مشا ظهور، عوامل تثبیت کننده دیدگاه بهای تاریخی (شامل: آموزش و تلقین، تعمیم نادرست روش‌های اولیه دفتر داری، قوانین و مقررات دولتی، نقص بازارها) و نهایتاً تشریح پیامدهای منفی بهای تمام شده تاریخی شامل: نامربوط بودن اطلاعات، تقلب (فروش دارایی به خریدار غیرواقعی به بهای تمام شده)، عدم توانایی پیشگیری از ورشکستگی، عدم شفافیت و بالا رفتن هزینه سرمایه.
رحمانی و جیدری	۱۳۸۵	مبنای نظری و موانع عملی تجدید ارزیابی دارایی ثابت	اثبات پذیری، بی طرفی و ارائه صحیح و منصفانه سه ویژگی اصلی قابلیت اتکاست. اقتصاد تورمی و افزایش نرخ ارز در ایران و فاصله گرفتن ارزش بازار از بهای تاریخی در ایران مربوط به مفید بودن اطلاعات برای تصمیم گیری را به شده کاهش داده است. هدف اصلی از تجدید ارائه؛ ۱) انعکاس ارزشهای جاری در صورتهای مالی به منظور ارائه اطلاعات مربوط در تصمیم گیری‌های اقتصادی، ۲) حفظ سرمایه (توان تولید) از طریق تعدیل هزینه استهلاک به مبنای هزینه‌های جاری
سلیمانی امیری و جعفری نصب کرمانی	۱۳۹۵	چالش‌های حسابرسی ارزش‌های منصفانه و سایر برآوردها	در این مطالعه چالش‌ها در سه محور اصلی مورد بررسی قرار گرفته است؛ ۱) محیطی شامل: ابهام در برآورد (ریسک‌های اقتصاد کلان)، مسائل قانونی، روابط میان موسسات حسابرسی با صاحب کار و متخصص ارزشگذار بیرونی ۲) وظیفه‌ای شامل: دشواری وظیفه و ساختار وظیفه ۳) فردی شامل: دانش و تخصص و تردید حرفه‌ای

نویسنده	سال	موضوع	نتیجه
کریمی و بیگی بشرویه	۱۳۹۶	تدوین مدل پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه در ایران با تأکید بر اندازه‌گیری	از طریق مصاحبه با ۱۷ نفر از خبرگان حوزه‌های مختلف (سازمان بورس و اوراق بهادار، سازمان حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی، کارشناسان رسمی دادگستری و مدیران ارشد شرکت‌ها و متخصصان مالیاتی) و بکارگیری روش تحقیق تئوری داده‌بنیاد، مدلی شامل شرایط علی، راهبردها، شرایط بستر، شرایط مداخله‌گر و پیامدها در خصوص پیاده‌سازی ارزش منصفانه با تأکید بر بخش اندازه‌گیری در ایران ارائه شده است. شناسایی نیاز به توسعه حوزه ارزشیابی و ارزشگذاری در داخل کشور و ایجاد استانداردهای ارزشیابی برای ارزشیابان مستقل، از دستاوردهای این تحقیق است.
رحمانی و گل محمدی	۱۳۹۷	شناسایی چالش‌های فنی به کارگیری ارزش منصفانه در گزارشگری مالی ایران: با تاکید بر الزامات ۱۳ IFRS	با استفاده از داده‌های ۷۹ پرسشنامه ارسالی به خبرگان در سه گروه نظریه‌پردازان و استانداردگذاران، حسابرسان مستقل و مدیران مالی، چالش‌های فنی بکارگیری مبنای ارزش منصفانه مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد در عین حال که دیدگاه خبرگان نسبت به الگوی ارزش منصفانه مثبت است، اما اثربخشی گزارشگری مالی مبتنی بر ارزش منصفانه در ایران از بعد ارزیابی وظیفه‌مبشرت و کارایی آن از دیدگاه استفاده‌کنندگان اطلاعات بحث‌برانگیز است. همچنین این برآورد وجود دارد که الزامات افشای IFRS 13 به خوبی رعایت نشود و ضعف ضمانت‌های اجرایی در محیط گزارشگری ایران بر اثر بخشی استاندارد ارزش منصفانه تأثیر منفی داشته باشد.
سلیمانی امیری و محمودخانی	۱۳۹۸	دیدگاه حسابرسان ایران در خصوص حسابرسی برآوردهای ارزش منصفانه	یافته‌های حاصل از ۱۱۸ پرسشنامه نشان می‌دهد که استفاده از استاندارد حسابرسی ۵۴۰ مصوب سازمان حسابرسی دشوار و مستلزم بازنگری است. حسابرسان معتقدند که مهمترین چالش حسابرسی در رابطه با اندازه‌گیری ارزش منصفانه، نبود بازار فعال برای اکثر دارایی‌ها و بدهی‌هاست. همچنین طبق یافته‌ها، چالش‌های حسابرسی اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی‌ها و بدهی‌های مالی با دارایی‌ها و بدهی‌های غیرمالی تفاوت دارد. دشواری حسابرسی سطوح ۲ و ۳ ارزش منصفانه، نبود رهنمودهای آموزشی، بی‌صلاحیتی حسابرس و نبود کارشناسان با تجربه می‌تواند بر کیفیت حسابرسی ارزش منصفانه مؤثر باشد و همین مسئله لزوم توجه به دانش حسابرسی و بازنگری در استانداردهای حسابرسی را روشن می‌سازد. همچنین سازمان حسابرسی مهمترین مرجع در تدوین دستورالعمل‌های آموزشی در خصوص حسابرسی برآوردهای ارزش منصفانه است؛ از این رو، باید این سازمان اقدامات لازم را برای تدوین چنین رهنمودهایی انجام دهد.

شایان ذکر است که تعداد تحقیقات داخلی در ارتباط با موانع اجرای ارزش منصفانه و IFRS محدود بوده و عموماً حوزه یا صنعت مشخصی به صورت تخصصی مورد بررسی قرار نگرفته است و بیشتر به چالش‌های عمومی بکارگیری IFRS پرداخته شده است. از طرفی ویژگی‌های محیطی اقتصادی ایران، ویژگی‌های مدل کسب و کار بانک‌ها متأثر از بانکداری بدون ربا و مشکلات ساختاری در نظام اقتصادی و بازارها سبب شده است موانع اجرای ارزش منصفانه در صنعت بانکداری ایران ابعاد منحصر به فردی داشته باشد. به این جهت پژوهش حاضر در بسیاری از جنبه‌ها قابل قیاس با تحقیقات داخلی و بین‌المللی نیست. با این حال در یک جمع‌بندی از پیشینه مطالعات می‌توان این گونه مطرح نمود که اساساً مزایای بکارگیری ارزش منصفانه در ایجاد شفافیت، دقت و افزایش مربوط بودن اطلاعات مالی به خصوص در صنعتی مانند صنعت بانکداری با حجج بالایی دارای‌های مالی و اقلامی با ماهیت غیرشفاف (تسهیلات غیرجاری و ذخیره مطالبات) مورد توافق است. اما در عین حال چالش‌های بکارگیری و پیاده‌سازی این روش اندازه‌گیری می‌تواند کیفیت خروجی‌های آن را به شدت تحت تاثیر قرار داده و موجب گمراهی استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی گردد. اساس این چالش‌ها در سطح کلان در چند محور اصلی شامل؛ سازگاری منطق کلان اقتصادی با اقتصاد بازار محور (رویکرد اقتصادی، قوانین و مقررات، فرهنگ)، کیفیت اطلاعات ورودی و اندازه‌گیری‌ها (وجود، توسعه یافتگی و کارایی بازارها، ثبات در بازارها، دانش و تخصص، کیفیت قضاوت حرفه‌ای، وجود نظام ارزشگذاری کارا، نظارت کارا و اثربخش) قابل طبقه‌بندی است.

سوالات پژوهش

سوالات پژوهش با توجه به تعریف مسئله نهاد متولی (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) نسبت به شناسایی موانع پیاده‌سازی ارزش منصفانه در راستای اجرای IFRS در صنعت بانکداری، به شکل زیر طراحی شده است:

- چه موانع بالقوه‌ای در بکارگیری مبنای ارزش منصفانه در صنعت بانکداری ایران در سطح کلان وجود دارد؟
- وزن یا رتبه هر یک از موانع شناسایی شده چقدر است؟

روش‌شناسی

با توجه به موضوع پژوهش با هدف شناسایی موانع پیاده‌سازی ارزش منصفانه در صنعت بانکداری ایران که تا به حال تجربه رسمی در محیط اجرایی کشور نداشته است علاوه بر صاحب‌نظران، دریافت دیدگاه‌های طیف گسترده‌ای از دست‌اندرکاران تولید گزارشهای مالی بانکها نیز ضرورت داشته است. پرسشنامه ابزاری است که امکان دریافت نظارت این طیف گسترده از افراد و نهادها و تبیین درک عمومی جامعه مخاطب نسبت به مسائل مورد بررسی را فراهم می‌آورد. بنابراین طرح تحقیق به دلیل ویژگی‌های موضوع اکتشافی بوده و از نوع پژوهش‌های پیمایشی می‌باشد. طراحی پرسشنامه، ارسال، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات در سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۹ صورت گرفته است.

منابع طراحی سوالات

فرآیند آغازین در این پژوهش انجام مطالعات زمینه‌ای؛ شامل شناخت چارچوب بکارگیری ارزش منصفانه مطابق با استانداردهای IFRS، بررسی تجارب و چگونگی به کارگیری ارزش منصفانه در کشورهای مختلف با تمرکز بر صنعت بانکداری و شناخت محیط گزارشگری مالی بانک‌های ایران بوده است. این فرآیند ابتدا با استفاده از مطالعه نظام‌مند و در مرحله بعد مصاحبه صورت گرفت. با شناسایی چارچوب کلی بکارگیری ارزش منصفانه با محوریت صنعت بانکداری و تعیین قلمرو موضوعی پژوهش شامل تعیین مولفه‌های اصلی اثرگذار و اثرپذیر از جمله عوامل کلان اقتصادی، قوانین و مقررات، بازارها، بانک‌ها و سیستم بانکی، دست‌اندرکاران حرفه (ارزشگذاران و حساب‌برسان) و نهادهای ناظر اقدام به طراحی سوالات پرسشنامه برای پاسخ به سوالات اصلی پژوهش شد.

ساختار ابزار اندازه‌گیری

با استفاده از مجموعه پرسش‌های منسجم و هدف‌دار می‌توان چالش‌های بالقوه را شناسایی کرد و در چارچوب‌های موجود تشکیک کرد و نهایتاً زمینه را برای اصلاح چارچوب موجود و یا طرح چارچوب جدید فراهم نمود. پرسشنامه در مورد موضوعاتی که به بررسی واقعیات و اصول می‌پردازد، به دلیل آن که پرسش‌شونده این امکان را دارد که پیش از پاسخ دادن، مستندات و واقعیات را بازنگری کند، می‌تواند پاسخ‌های دقیقی را فراهم کند. از طرفی پرسشنامه ظرفیت اخذ دیدگاه طیف گسترده‌ای از افراد یا نهادها که هر کدام در جایگاه خود نقش قابل توجهی در چگونگی اجرای ارزش منصفانه دارند را فراهم می‌کند. از جنبه کمیت

نیز برای پوشش حداکثری جامعه مخاطب^{۲۱} در موضوع تحقیق موثرترین روش جمع آوری این حجم از داده، با هزینه و خطای متناسب، پرسشنامه است.

بخش قابل توجهی از اهداف این پژوهش شامل شناسایی موانع و راه کارهای بکارگیری ارزش منصفانه در صنعت بانکداری ایران، در گرو شناسایی دقیق شرایط موجود گزارشگری مالی در صنعت بانکداری (واقعیات) و تطابق با الزامات بکارگیری مبنای ارزش منصفانه در مجموعه IFRS (اصول) است. فرآیند شناختی بهینه مورد اجماع در پیشینه علوم تحقیقاتی، در ارتباط با پاسخ دادن به سوال، شامل چهار گام است؛ اول، تفسیر و شناسایی هدف سوال، دوم، مراجعه به اطلاعات ذهنی مرتبط با هدف سوال، سوم، ترکیب با سایر اطلاعات در دسترس و رسیدن به یک قضاوت واحد در ارتباط با هدف سوال و چهارم تبدیل قضاوت به یک پاسخ از طریق گزینش یکی از انتخاب‌هایی که پرسش کننده در اختیار قرار داده است (شوارتز و استرک، ۱۹۸۵) - (کنل و همکاران، ۱۹۸۲). از این رو برای حداکثر کردن کارایی در این گام‌ها پرسشنامه باید به شکلی اصولی و قاعده مند طراحی گردد. طراحی اصولی پرسشنامه، نقش تعیین کننده‌ای در قابلیت فهم بهتر سوالات و سهولت پاسخ دادن به آن برای پرسش شونده دارد. در این راستا اهم ملاحظات که در طراحی ساختاری پرسشنامه در این پژوهش لحاظ گردیده از ابعاد اصول ناظر بر طراحی سوالات و همچنین اصول ناظر بر طراحی بصری پرسشنامه ارائه شده است. برای آنکه پرسشنامه از تاثیر گذاری و کیفیت لازم برخوردار باشد، باید مجموعه‌ای از قواعد کلی منطقی و اصول طراحی سوالات و گویه‌های پرسشنامه اعم از محتوایی و نگارشی مورد توجه قرار گرفته باشد:

- استفاده از واژگان مفهوم و آشنا (پوشش پیچیدگی‌های ذاتی مفاهیم مطرح شده در استانداردها)
- بهینه‌سازی ترتیب سوالات (دسته بندی موضوعی سوالات و چیدمان گویه‌ها از کلیات به جزئیات)
- استفاده از سوالات کارکردی^{۲۲} (شامل؛ سوالات فیلتری، کنترلی و دنباله‌دار)
- آشنایی و قابلیت درک بصری در شکل کلی پرسشنامه، بشدت کیفیت خروجی‌های پرسشنامه را تحت تاثیر قرار خواهد داد (سانچز، ۱۹۹۲). اصول ناظر بر طراحی ساختار

بصری پرسشنامه این پژوهش به شرح زیر است:

- استفاده از نامه پوششی سازمانی به منظور جلب همکاری حداکثری و افزایش کیفیت پاسخگویی
- استفاده از راهنمایی برای ابهام زدایی از نحوه پاسخ‌گویی به سوالات
- استفاده از صفحات رنگی برای تسهیل خوانش و همچنین تمایز بین نقاط تأکیدی و جلوگیری از سوء برداشت‌های احتمالی
- استفاده از الگوی ماتریسی که به بهینه‌سازی فضای پرسشنامه کمک کرده و امکان بازبینی و مقایسه سطح اهمیت گویه‌ها را سهولت می‌بخشد.
- استفاده از سیستم پاسخ‌گویی طیفی، طیف ۱۱ تایی^{۲۳}.
- استفاده از قالب کتابچه

جامعه و نمونه پرسش‌شوندگان

جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دست‌اندرکاران فرآیند گزارشگری مالی بانک‌ها و صاحبان نظران دانشگاهی و پژوهشگران بوده است. شایان توجه است که در ارتباط با دست‌اندرکاران فرآیند گزارشگری مالی بانک‌ها (بانک‌ها، حساب‌رسان مستقل بانک‌ها، تیم‌های نظارتی بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار) پاسخ‌ها به صورت اجماع گروهی و در قالب هویت نهادی پرسش‌شونده مطالبه شده است.

در بخش شناسایی و انتخاب صاحبان نظران دانشگاهی و پژوهشگران ابتدا افراد با استفاده از روش نمونه‌گیری قضاوتی هدفمند انتخاب شدند و سپس برای بهینه‌سازی از روش گلوله برفی استفاده شد. ویژگی‌های اصلی برای انتخاب عبارت بوده است از: (۱) آشنایی کافی با گزارشگری مالی بانک‌ها، (۲) آشنایی نسبی^{۲۴} با مفاهیم IFRS و (۳) آشنایی با مفاهیم ارزیابی و ارزش‌گذاری. با این معیار، تعداد ۴۶ نفر انتخاب شده که عموماً در تخصص‌های مرتبط شامل بانکداری، حسابداری، حسابرسی، ارزش‌گذاری و ارزیابی و امور مالیاتی فعال بوده و یا هستند. علاوه بر این موضوعات حائز اهمیت دیگری در انتخاب صاحبان نظران خبره از قبیل علاقه‌مندی افراد در کمک به پژوهش و صرف وقت و برخورداری از مهارت‌های ارتباطی کارا و موثر برای پاسخ نیز مورد توجه قرار گرفت^{۲۵}.

اطلاعات توصیفی صاحبان نظران

اطلاعات توصیفی جمعیت شناختی و تخصصی صاحبان نظران و پژوهشگران به شرح جدول است.

جدول ۲- اطلاعات توصیفی جمعیت شناختی

						مولفه‌ها
						جنسیت
						مذکر
						مونث
						۹۵
						۵
						تحصیلات
						کارشناسی ارشد
						دکتر
						۲۷
						۷۳
						رشته تحصیلی
						حسابداری
						مالی
						بانکداری
						مدیریت
						اقتصاد
						۸۱
						۵
						۵
						۲
						۷
						سابقه کار مرتبط با گزارشگری مالی
						بانکی
						غیربانکی
						۸/۳
						۱۷/۴
						تخصص و تجارب حرفه‌ای
						بانکداری
						حسابداری
						حسابرسی
						نظارت
						ارزشگذاری
						مالیاتی
						۴۷
						۶۲
						۶۲
						۳۱
						۳۱
						۳۱
						۲۰
						میزان آشنایی نظری با IFRS
						خیلی کم
						کم
						متوسط
						زیاد
						خیلی زیاد
						۰
						۲
						۳۴
						۵۴
						۱۰
						میزان آشنایی عملی با IFRS
						خیلی کم
						کم
						متوسط
						زیاد
						خیلی زیاد
						۲
						۱۷
						۵۹
						۱۵
						۷

طبق آمار توصیفی بالا ۷۳ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک تحصیلی دکتری و مابقی کارشناسی ارشد هستند بنابراین پرسش شوندگان از دانش تحصیلی مناسبی برخوردار هستند. توزیع رشته تحصیلی پاسخ‌دهندگان که اکثراً حسابداری است، نشان‌دهنده تسلط آنها بر فرآیند گزارشگری مالی است. در عین حال رشته‌های مرتبط دیگری نیز در میان پرسش‌شوندگان وجود دارد. نتایج حاصل از اطلاعات توصیفی نشان می‌دهد ۵۰ درصد از پاسخ‌دهندگان حداقل ۵ سال سابقه کار بانکی دارند که بیانگر تجربه قابل قبول پاسخ‌دهندگان در زمینه گزارشگری مالی و بانکی است. تخصص و تجارب حرفه‌ای افراد در حوزه‌های بانکداری، حسابداری، حسابرسی، نظارت، ارزش‌گذاری و مالیاتی نشان می‌دهد نیمی از پاسخ‌دهندگان (۴۲ نفر از ۴۵ نفر) دارای تخصص بانکی بوده و بیش از ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان دارای تخصص‌های حسابداری و

حسابرسی بوده‌اند. بنابراین به طور متوسط پاسخ‌دهندگان بیش از ۲ تخصص دارند. این آمار نشان‌دهنده تنوع تخصص افراد در حوزه‌های موضوعی مرتبط است که امکان پاسخ‌های معتبر به طیف گسترده سوالات پرسشنامه در حیطه‌های موضوعی مختلف را فراهم می‌کند. همچنین در ارتباط با میزان آشنایی با IFRS، پرسش‌شوندگان از آشنایی نظری مناسبی برخوردار بوده‌اند، البته میزان آشنایی عملی این افراد کمتر بوده، اما در سطح قابل قبولی می‌باشد.

آمار توصیفی ارسال و دریافت پرسشنامه‌ها بر اساس طبقات پرسش‌شوندگان نیز به شرح جدول ۳ است:

جدول ۳. جدول آمار توصیفی پرسش‌شوندگان و نرخ بازگشت

نرخ بازگشت (درصد)	تعداد پرسشنامه دریافت شده	ساختار پاسخ‌دهی	تعداد پرسشنامه ارسال شده	طبقه
۹۱	۲۹	گروهی ^{۲۶}	۳۲	بانک‌ها
۷۸	۱۴		۱۸	حسابرسان بانک‌ها ^{۲۸}
۱۰۰	۱۲		۱۲	نظارت بانک مرکزی ^{۲۹}
۷۵	۳		۴	سایر نهادهای ناظر (جامعه حسابداران رسمی، سازمان بورس و اوراق بهادار ^{۳۰} ، کانون کارشناسان رسمی دادگستری)
۱۰۰	۳		۳	سازمان حسابرسی
۹۰	۴۵		فردی	۵۰
۹۰	۱۰۶		۱۱۹	جمع

اعتبار پرسشنامه

پس از طراحی اولین نسخه پرسشنامه که پس از ویرایش‌های متعدد نهایی شد، برای بررسی‌های بیشتر در ارتباط با تعدیلات احتمالی لازم دیگر و همچنین بررسی روایی و پایایی پرسشنامه مرحله پایلوت^{۳۱} آغاز گردید. ابتدا اقدام به شناسایی خبرگان برای پایلوت شده و با تعیین ۷ نفر پایلوت‌ها ارسال شد و تعداد ۳ نفر نیز از پیشنهادات خبرگان منتخب فوق، مجدداً برای پایلوت انتخاب گردید. از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا علاوه بر بررسی روایی سوالات اگر نظر دیگری را نسبت به پرسشنامه دارند، ارائه نمایند.

پس از جمع‌آوری پایلوت‌ها علاوه بر بررسی روایی و پایایی پرسشنامه تعدیل‌های ساختاری و محتوایی دیگری نیز صورت گرفت. این فرآیند به دفعات لازم تکرار شد و نهایتاً نسخه نهایی پرسشنامه طراحی و آماده ارسال گردید.

منظور از روایی^{۳۲} آن است که وسیله اندازه‌گیری، آنچه قصد سنجش دارد را به خوبی اندازه‌گیری نماید. در پژوهش حاضر، پس از بررسی پیشینه تحقیقات مرتبط، مطالعه نظام‌مند و اجرای مصاحبه عمیق سازمان‌یافته، نسخه اولیه پرسشنامه تهیه گردید. سپس پرسشنامه به صورت آزمایشی بین ۱۰ نفر متخصص توزیع شد و بازخوردهای آنها در مورد شکل و محتوای پرسش‌ها دریافت گردید. پس از دریافت هر پاسخ، بازخوردها مورد بررسی قرار گرفته و نقاط ضعف پرسشنامه شناسایی و اصلاح گردید. در نهایت پس از انجام تمامی مراحل فوق، نسخه نهایی پرسشنامه تدوین و روایی آن مورد بررسی قرار گرفت. روایی پرسشنامه با جدول اعتبار آزمون براساس نظرات ۱۰ خبره مقایسه گردید. بر اساس مطالعات سی. اچ. لاشه (۱۹۷۵) حداقل نسبت روایی برای گروه خبره ۱۰ نفره ۰/۶۲ است. با توجه به اینکه گروه خبرگان در مورد تمام گویه‌های پرسشنامه به اجماع رسیدند، بنابراین روایی پرسشنامه نزدیک به ۱۰۰ درصد ارزیابی می‌شود. منظور از پایایی^{۳۳} مشابه بودن نتایج در صورت تکرار اندازه‌گیری است. به بیانی دیگر، پایایی بیانگر میزان ثبات نتایج در طول زمان است. در این پژوهش پایایی پرسش‌های پژوهش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد، حداقل مقدار آلفای کرونباخ در سوال‌ها ۸۵ درصد است. بنابراین پایایی پرسشنامه در سطح قابل قبول است.

تجزیه و تحلیل خروجی‌های پرسشنامه

در بخش تجزیه و تحلیل اطلاعات پرسشنامه، بسته به نیاز از روش‌های مختلف استفاده شده است اما اساس تحلیل‌ها بر مبنای منطق تحلیل فازی (سوالات با طیف ۱۱ تایی) صورت گرفته است. سوالات و طیف پرسشنامه برپایه استفاده از روشهای آماری فازی طراحی شده است. دلیل استفاده از طیف عددی ۱۱ تایی آن است که در وهله نخست استفاده از اعداد به جای مفاهیم کیفی خیلی با اهمیت، با اهمیت و... خطاهای ناشی نمره‌دهی فازی سازی گزینه‌ها را کاهش می‌دهد. همچنین استفاده از طیف‌های ۱۰ و ۱۱ تایی نسبت به طیف‌های کوچکتر دارای حساسیت بیشتری بوده و دقت بالاتری در سنجش نظرات پاسخ‌دهندگان دارد. علاوه بر این طیف ۱۱ تایی دارای نقطه وسط بوده که انتخاب گزینه را برای پاسخ‌دهنده آسان‌تر می‌نماید

(در بشاپیر و مک‌دونالد، ۲۰۰۴؛ زوئل و شولز، ۲۰۱۶).

مشابه ترین ابزار سنجش این گونه پرسشنامه‌ها در آمار کلاسیک، آزمون‌های علامت تک نمونه، ویلکاکسون تک نمونه و تی تست تک نمونه می باشند. با توجه به جدید بودن آمار فازی، در این فضا، ابزار آزمون جامعی برای بررسی سوالات و مفروضات مورد نیاز وجود نداشت. تنها ابزار موجود، مقایسه نقطه وسط میانگین فازی با یک عدد خاص بود (به عنوان نمونه، گل محمدی ۱۳۹۷). به همین دلیل مقایسه فازی t-test بر اساس اصول عضویت آمار فازی و اصل درست‌نمایی محاسبه شده و ابزار آزمون ساخته شد. در ابزار آزمون ساخته شده بر خلاف روش موجود، فرض صفر بصورت ناحیه عضویت تعریف شد و احتمال عضویت محدوده فرض صفر در محدوده مشاهداتی که توسط فاصله اطمینانهای ۹۵ درصدی اصلاح شده بود، محاسبه شده و بر این اساس سطح معنی داری آزمون محاسبه شد. در این روش ابتدا عدد انتخاب شده توسط هر پاسخ‌دهنده به فازی مثلثی تبدیل شد. سپس میانگین حسابی فازی برای تمام اعداد فازی شده محاسبه شده و در مرحله بعد فاصله اطمینان با استفاده از توزیع تی استیودنت و با احتمال ۹۵ درصد برای هر گویه برآورد شد. در ادامه مقدار آماره آزمون بر اساس فرض صفر (۷.۸.۹) فازی شد. افزون بر این، از آزمون‌های تاپسیس و نسبت چند جمله‌ای به ترتیب برای بررسی سطح اهمیت گویه‌ها و سوالات چند گزینه‌ای استفاده شد. همچنین برای بررسی تفاوت دیدگاه‌ها به خصوص در ارتباط با پاسخ‌دهندگان نهادی که می‌تواند در نحوه پاسخگویی تاثیر گذار باشد از آزمون تحلیل واریانس^{۳۴} استفاده شده است. لازم به ذکر است که عموماً تفاوت معناداری بین پاسخ‌ها مشاهده نشده است با این حال در ارتباط با برخی موارد، به وجود این تفاوت‌ها اشاره شده است. چارچوب کلی ساختار و تجزیه و تحلیل سوالات پرسشنامه در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. ساختار و تجزیه و تحلیل سوالات پرسشنامه

شماره سوال	تعداد گویه‌ها	محور سوال‌ها	ساختار پاسخ‌دهی	روش تجزیه و تحلیل و آزمون‌های مورد استفاده
۱	۱۹	شناسایی عوامل کلان محدود کننده در بکارگیری مبنای ارزش منصفانه در بانک‌های ایران	طیفی	آزمون مقایسه فازی، تاپسیس و مقایسه

میانگین‌ها	طیفی	شناسایی عوامل محدود کننده بکارگیری مبنای ارزش منصفانه در سطح بازارها	۷	۲
	طیفی	شناسایی موارد اثر گذار بر کیفیت قضاوت حرفه‌ای در تعیین ارزش منصفانه	۹	۳
آزمون مقایسه فازی و مقایسه میانگین‌ها	طیفی	شناسایی محدودیت‌های بالقوه در تعیین اطلاعات ورودی ارزش منصفانه	-	۷ تا ۴
آزمون نسبت چند جمله‌ای ^{۳۵}	چهار جوابی		-	۹ و ۸

یافته‌ها

یافته‌های حاصل از ۹ سوال اصلی در قالب ۳۵ گویه و شش گزاره ارائه شده است. در هر جدول میانگین، انحراف معیار، مقدار P بر اساس مقادیر فازی (۷.۸.۹) و نهایتاً رتبه گویه که بر اساس امتیاز تاپسیس تعیین شده، ارائه گردیده است.

سوال (۱): عوامل کلان محدود کننده در بکارگیری مبنای ارزش منصفانه در بانک‌های ایران

بر اساس گویه‌های سوال یک موارد کلان محدود کننده در بکارگیری مبنای ارزش منصفانه در بانک‌های ایران به شرح جدول ۵ مورد آزمون قرار گرفته است:

جدول ۵. آزمون فرض آماری عوامل کلان محدود کننده در بکارگیری ارزش منصفانه

شماره گویه	گویه	میانگین؛ (انحراف معیار)	مقدار P	نتیجه	رتبه
۱	ویژگی‌های محیط کسب و کار متاثر از اقتصاد دولتی و شبه‌دولتی ایران	۸/۵۳ (۱/۶۴)	۱	پذیرش	۳
۲	عدم ثبات اقتصادی	۸/۳۸ (۱/۸۸)	۱	پذیرش	۶
۳	تحریم‌های اقتصادی	۷/۶۰ (۲/۵۵)	۱	پذیرش	۱۳
۴	عدم ثبات در سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات کسب و کارها	۸/۱۰ (۱/۶۰)	۱	پذیرش	۷
۵	تفاوت صنعت بانکداری ایران از حیث قوانین و مقررات حاکم، و مدل کسب و کار با بانکداری رایج بین‌المللی	۸/۰۴ (۲/۱۴)	۱	پذیرش	۱۲
۶	ظرفیت ناکافی قوانین و مقررات برای پذیرش ارزش منصفانه	۷/۹۲ (۲/۰۷)	۱	پذیرش	۱۱
۷	عدم کفایت قوانین و مقررات نظارتی (بانک مرکزی)	۷/۴۲ (۱/۹۷)	۰/۶۵	پذیرش	۱۴

شماره گویه	گویه	میانگین؛ (انحراف معیار)	مقدار P	نتیجه	رتبه
	سازمان بورس و اوراق بهادار، نهاد ناظر ارزشگذاری)				
۸	ناسازگاری قوانین و مقررات بانکداری بدون ربا با IFRS	۶/۶۷ (۲/۸۳)	۰/۲۶	پذیرش	۱۹
۹	ناسازگاری فرهنگ گزارشگری مالی ایران با سطوح افشا و شفافیت در ارزش منصفانه	۷/۹۶ (۱/۷۲)	۱	پذیرش	۸
۱۰	ضعف دانش و تخصص دست‌اندرکاران فرآیند گزارشگری مالی نسبت به IFRS	۸/۳۷ (۱/۷۶)	۱	پذیرش	۵
۱۱	ضعف قضاوت حرفه‌ای دست‌اندرکاران فرآیند گزارشگری مالی	۸ (۱/۸۳)	۱	پذیرش	۱۰
۱۲	عدم دسترسی به موقع به اطلاعات آماره‌ها و متغیرهای اقتصادی قابل اتکا (مورد نیاز برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه)	۸/۷۰ (۱/۳۶)	۱	پذیرش	۲
۱۳	هزینه‌های پیاده‌سازی ارزش منصفانه (شامل تغییر و یا اصلاح قوانین و مقررات، آموزش، ایجاد نهادها و واحدهای مرتبط، فراهم کردن زیرساخت‌های اطلاعاتی و تغییرات ساختاری در سیستم‌های حسابداری و گزارشگری مالی)	۶/۹۸ (۲/۲۲)	۰/۳۸	پذیرش	۱۸
۱۴	ظرفیت ناکافی نظارتی (بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار و جامعه حسابداران)	۷/۰۶ (۲/۱۰)	۰/۴۲	پذیرش	۱۶
۱۵	ظرفیت ناکافی نظارت بر حرفه ارزشگذاری	۷/۸ (۲/۲۳)	۱	پذیرش	۱۵
۱۶	تورم بالا	۷/۲۷ (۲/۴۸)	۰/۵۸	پذیرش	۱۷
۱۷	دشواری قضاوت حرفه‌ای در طبقه‌بندی و اندازه‌گیری ارزش منصفانه	۸/۴ (۱/۲۹)	۱	پذیرش	۴
۱۸	ناکارآمدی نظام کنونی ارزشگذاری	۸/۷۷ (۱/۴۱)	۰/۹۸	پذیرش	۱
۱۹	ظرفیت ناکافی نظام مالیاتی برای پذیرش ارزش منصفانه	۷/۷۷ (۱/۶۵)	۱	پذیرش	۹

همان گونه که نتایج نشان می‌دهد در سوال اول تمامی موارد کلانی که به پرسش گذاشته شده است، مورد تایید قرار گرفته است. همچنین پاسخ‌دهندگان ناکارآمدی نظام ارزشگذاری، عدم دسترسی به آمار و اطلاعات کلان اقتصادی، دولتی و شبه دولتی بودن اقتصاد ایران و دشواری قضاوت حرفه‌ای را از مهمترین عوامل کلان محدودکننده بکارگیری ارزش منصفانه در صنعت بانکداری در نظر گرفته‌اند.

سوال (۲): عوامل محدود کننده بکارگیری مبنای ارزش منصفانه در سطح بازارها

در این سوال علاوه بر موانع طرح شده در سوال پیشین، عوامل خاصی که در سطح بازارها به عنوان خاستگاه ارزش منصفانه، اجرای ارزش منصفانه را با چالش مواجه می‌سازد مورد سوال واقع گردید.

بر اساس گویه‌های سوال دو عوامل محدود کننده بکارگیری مبنای ارزش منصفانه در سطح بازارها به شرح جدول ۶ آزمون شده است:

جدول ۶. آزمون فرض آماری عوامل خاص محدود کننده در بکارگیری ارزش منصفانه

شماره گویه	گویه	میانگین (انحراف معیار)	مقدار P	نتیجه	رتبه
۱	سازوکارهای ضعیف نظارت بر بازارها	۸/۰۷ (۱/۴۶)	۱	پذیرش	۵
۲	کمبود داده‌های ورودی قابل اتکا	۸/۷ (۱/۱۷)	۰/۹۸	پذیرش	۳
۳	ضعف زیرساخت‌های اطلاعاتی بازارها	۸/۷۳ (۱/۱۳)	۰/۹۷	پذیرش	۲
۴	کم عمق بودن بازارها	۸/۲۱ (۱/۶۵)	۱	پذیرش	۶
۵	سیکل‌های رکودی و تورمی در اقتصاد	۷/۹۱ (۱/۹۱)	۱	پذیرش	۷
۶	عدم شفافیت بازارها و فقدان انگیزه کافی متولیان برای شفاف‌سازی	۸/۹ (۱/۱۷)	۰/۹	پذیرش	۱
۷	نقش غالب دولت و سایر نهادهای حاکمیتی در مداخله و تنظیم‌گری بازارها	۸/۴۸ (۱/۵۶)	۱	پذیرش	۴

در سوال دوم نیز تمام گویه‌های مطرح شده، مورد پذیرش قرار گرفته است. از نظر پرسش‌شوندگان عدم شفافیت بازارها و فقدان انگیزه کافی متولیان برای شفاف‌سازی، ضعف زیرساخت‌های اطلاعاتی بازارها و کمبود داده‌های ورودی قابل اتکا از موثرترین موارد خاص محدود کننده بکارگیری مبنای ارزش منصفانه در بانک‌های ایران می‌باشد.

سوال (۳): عوامل موثر بر کیفیت قضاوت حرفه‌ای در طبقه‌بندی، اندازه‌گیری و افشای

ارزش‌های منصفانه.

در سوال سوم عوامل اثرگذار بر قضاوت حرفه‌ای که بر اساس مطالعات نظام‌مند و رتبه‌گویه ۱۷ سوال یک، نقش مهمی برای اجرای ارزش منصفانه دارد، به پرسش گذاشته شد. نتایج آزمون فرض آماری سوال سوم به شرح جدول ۷ است:

جدول ۷. آزمون فرض آماری عوامل اثرگذار بر کیفیت قضاوت‌های حرفه‌ای در ارزش منصفانه

شماره گویه	گویه	میانگین (انحراف معیار)	مقدار P	نتیجه	رتبه
۱	پیچیدگی مدل کسب و کار بانک‌ها متاثر از ضوابط بانکداری بدون ربا	۷/۳۶ (۱/۹۴)	۰/۶۱	پذیرش	۹
۲	پیچیدگی مدل کسب و کار بانک‌ها متاثر از فعالیت‌های خارج از عرف واسطه‌گری مالی	۷/۵۳ (۱/۸)	۰/۷۳	پذیرش	۸
۳	سیاست‌های دستوری حاکمیتی (نحوه تخصیص منابع و نرخ‌های دستوری)	۸/۲۲ (۱/۷۷)	۱	پذیرش	۴
۴	عدم تمایل به آشکارشدن زیان‌های انباشته پنهان ناشی از اجرای IFRS	۸/۷۱ (۱/۷۱)	۱	پذیرش	۱
۵	استقلال در قضاوت حرفه‌ای	۸/۰۱ (۱/۸۲)	۱	پذیرش	۷
۶	کیفیت مکانیزم‌های پاسخ‌گویی	۷/۹۵ (۱/۶۹)	۱	پذیرش	۶
۷	اخلاق حرفه‌ای*	۸/۰۳ (۱/۸۸)	۱	پذیرش	۵
۸	دانش و تخصص*	۸/۳۸ (۱/۶۲)	۱	پذیرش	۲
۹	زیر ساخت‌های اطلاعاتی و نرم افزاری	۸/۳۵ (۱/۶۹)	۱	پذیرش	۳

* تفاوت دیدگاه: بانکها، نهاد نظارت و صاحب نظران نسبت به حساب‌رسان، تاثیرگذاری بیشتری را برای اخلاق حرفه‌ای و سطح دانش و تخصص قائل بوده‌اند.

گویه‌های سوال سوم با هدف بررسی عواملی که بر کیفیت قضاوت‌های حرفه‌ای موثر است طراحی شده است. ضمن مورد پذیرش قرار گرفتن تمامی گویه‌ها، یکی از موثرترین عوامل در کاهش کیفیت قضاوت حرفه‌ای عدم تمایل به آشکارشدن زیان‌های انباشته پنهان ناشی از اجرای IFRS و ارزش منصفانه شناسایی شده است و در ادامه دانش و تخصص، زیر ساخت‌های اطلاعاتی و نرم افزاری و سیاست‌های دستوری حاکمیتی شامل

نحوه تخصیص منابع و نرخ‌های دستوری از مهمترین عوامل دیگری است که کیفیت قضاوت حرفه‌ای را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

سوالات (۴) تا (۹): محدودیت‌های بالقوه در تعیین اطلاعات ورودی ارزش منصفانه

یکی از محدودیت‌های مهم در اندازه‌گیری ارزش منصفانه، داده‌های ورودی است که علاوه بر نتایج حاصل از مطالعات نظام‌مند، نتیجه سوال ۱ و ۲ نیز از این گزاره پشتیبانی می‌نماید. سوالات ۴ تا ۷ با هدف بررسی قیمت‌های قابل مشاهده طراحی شده و سوال‌های ۸ و ۹ با هدف بررسی اطلاعات ورودی مورد نیاز برای بکارگیری مدل‌های ارزشگذاری (سطح دو و سه) ارزش منصفانه طراحی شده است.

آزمون فرض آماری سوالات (۴) تا (۷) به شرح جدول ۸ است:

جدول ۸. آزمون فرض آماری محدودیت‌ها و راه‌کارهای بالقوه در تعیین اطلاعات ورودی ارزش منصفانه

سوال	محدودیت‌ها و راه‌کارهای بالقوه در تعیین اطلاعات ورودی ارزش منصفانه	میانگین؛ (انحراف معیار)	مقدار P	نتیجه
۴	قیمت‌های تابلو (بورس و فرابورس ایران) از قابلیت اتکا برخوردار است.	۵/۱۶ (۲/۰۱)	۰	رد
۵	بازار املاک و مستغلات پایگاه داده قابل اتکایی برای تعیین ورودی‌های ارزشگذاری دارد.	۴/۱۵ (۲/۱۹)	۰/۰۱۸	رد
۶	ساختار فعلی ارزشگذاری در سطح کشور ظرفیت مناسب اجرای ارزش منصفانه برای مقاصد گزارشگری مالی را دارا است.	۳/۳۲ (۲/۰۷)	۰	رد
۷	ایجاد یک نهاد حرفه‌ای برای پذیرش یا تدوین استانداردهای ارزشگذاری و نظارت بر اجرای آنها ضرورت دارد.	۸/۷۵* (۱/۵۸)	۱	پذیرش

*مقادیر میانگین‌های تبدیل شده سوال‌هایی با بازه -۵ تا +۵ است که برای محاسبه به بازه ۰ تا ۱۰ تبدیل شده‌اند.

طبق نتایج آزمون‌های آماری سوال‌های ۴ تا ۷ "قابل اتکا بودن قیمت‌های تابلو"، "وجود پایگاه داده قابل اتکا املاک و مستغلات" و "توانایی ساختار فعلی ارزشگذاری برای اجرای ارزش منصفانه" برای مقاصد گزارشگری مالی مورد تایید قرار نگرفت و به عنوان محدودیت‌هایی در تعیین اطلاعات ورودی ارزش منصفانه شناسایی شد. همچنین "ضرورت ایجاد یک نهاد حرفه‌ای برای پذیرش یا تدوین استانداردهای ارزشگذاری و نظارت بر اجرای آنها" مورد تایید قرار گرفت. بر این اساس نبود اطلاعات قابل اتکا در بازار سرمایه و بازار املاک

و مستغلات که انتظار می‌رود قابل مشاهده‌ترین، شفاف‌ترین و قابل اتکاترین را داشته باشند حاکی از آن است که بازارها اطلاعات ورودی مناسبی برای تعیین ارزش منصفانه فراهم نمی‌کند. از طرفی ساختار فعلی ارزشگذاری که در نبود اطلاعات قابل مشاهده بازار اقدام به برآورد قیمت‌ها می‌کند ظرفیت مناسب اجرای ارزش منصفانه را ندارد و پرسش شوندگان ایجاد یک نهاد حرفه‌ای برای پذیرش یا تدوین استانداردهای ارزشگذاری و نظارت بر اجرای آن‌ها ضروری می‌دانند.

سوال‌های (۸) و (۹)؛ در فرآیند تعیین ارزش منصفانه در شرایطی که به‌طور مستقیم قیمت قابل مشاهده در بازار وجود ندارد (سطح دو و سه ارزش منصفانه) برای تعدیل یا برآورد قیمت به اطلاعات ورودی نیاز است که دو عامل اساسی برای این کار نرخ بازده بدون ریسک و صرف ریسک پایه‌ای است که باید بتوان برای ارقام ریسکی هم طبقه (مشابه) در نظر گرفت. هر تفاوتی در سازوکار تعیین این اطلاعات ورودی، کیفیت و قابلیت مقایسه خروجی برآوردشده را به‌طور محسوس کاهش می‌دهد. سوال‌های (۸) و (۹) با دو هدف شناسایی معیار مناسب برای این دو عامل و همچنین ارزیابی تنوع پاسخ‌ها که نشان از وجود یا عدم وجود قابلیت مقایسه دارد، طراحی شده است. برای این کار از آزمون نسبت چندجمله‌ای (از خانواده آزمون‌های برنولی) استفاده شده است. فرض صفر در این آزمون، برابر بودن احتمال وقوع تمام رویدادها و به عبارت دیگر مساوی بودن نسبت مشاهده شده آن‌ها بوده و فرض مقابل نیز عدم برابری حداقل یکی از نسبت‌ها با بقیه می‌باشد. گروه‌بندی فیشر نیز نشان می‌دهد که آیا پاسخ‌ها در گروه‌های مختلف قرار می‌گیرند یا خیر. قرار گرفتن پاسخ‌ها در گروه‌های مشابه مثلاً A یا B نشان از عدم تفاوت معنادار میان انتخاب هر کدام از آن گزینه‌ها می‌باشد.

آزمون نسبت دو جمله‌ای سوال (۸)

آزمون تعیین مبنای مناسب نرخ بازده بدون ریسک به شرح جدول ۹ است:

جدول ۹. آزمون نسبت دو جمله‌ای تعیین مبنای مناسب نرخ بازده بدون ریسک

گزینه	نسبت نمونه ای (درصد)	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای احتمال وقوع (درصد)	مقدار P	گروه‌بندی فیشر
الف) نرخ سود سپرده بانکی	۳۳	۲۴/۳ - ۴۲/۳	۰/۰۶۶	A
ب) نرخ اوراق بدهی دولت	۳۵	۲۶/۱ - ۴۵/۴	۰/۰۲۲	A
ج) نرخ قابل اتکایی وجود ندارد	۲۳	۱۴/۹ - ۳۱/۹	۰/۵۷۳	A B
د) سایر	۹	۴/۱ - ۱۶/۱	۰/۰۰۰	B

بررسی خروجی‌ها نشان می‌دهد با اینکه گزینه "ب" یعنی استفاده از نرخ اوراق بدهی دولت فراوانی بیشتری نسبت به دیگر گزینه‌ها دارد اما این مقدار به گونه‌ای نیست که به توان آن را به عنوان اجماع نظرات در نظر گرفت. طبق گروه‌بندی فیشر نیز هر سه گزینه الف، ب و ج در گروه A قرار گرفته‌اند و تنها گزینه د که اشاره به سایر موارد دارد به طور کامل در گروه B قرار گرفته است. این موضوع نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین انتخاب این سه گزینه وجود نداشته است. به لحاظ محتوایی، این که اجماعی نسبت به معیار مناسب نرخ بدون ریسک ایجاد نشده است، می‌تواند گواهی بر عدم وجود معیار قابل اتکایی از نرخ بدون ریسک به عنوان یک ورودی اساسی برای ارزشگذاری باشد. این موضوع قابلیت مقایسه خروجی‌های ارزش منصفانه را نیز کاهش می‌دهد.

آزمون نسبت دو جمله‌ای سوال (۹)

تعیین مبنای مناسب محاسبه صرف ریسک پایه به شرح جدول ۱۰ است:
جدول ۱۰. آزمون نسبت دو جمله‌ای تعیین مبنای مناسب محاسبه صرف ریسک پایه و

گروه بندی فیشر

گزینه	نسبت نمونه ای (درصد)	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای احتمال وقوع (درصد)	مقدار P	گروه بندی فیشر
الف) نرخ‌های ضمنی (تغییر قیمت بازار)	۱۹	۱۱/۸- ۲۸/۶	۰/۱۹۴	A
ب) مدل‌های مالی	۲۶	۱۷/۱- ۳۵/۶	۱	B A
ج) مبنای قابل اتکایی وجود ندارد	۵۱	۴۰/۵- ۶۱/۵	۰/۰۰۰	B
د) سایر	۴	۱/۲- ۱۰/۵	۰/۰۰۰	C

بررسی خروجی‌ها نشان می‌دهد که گزینه "ج" به طور معناداری بیشتر مورد قبول است و مستقلاً در گروه B قرار گرفته است، یعنی از نظر پرسش‌شوندگان در حال حاضر معیار مناسبی برای تعیین صرف ریسک پایه به عنوان یک فاکتور اثرگذار در فرآیند ارزشگذاری، وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

برای جمع‌بندی موضوعاتی که مورد شناسایی قرار گرفته است ابتدا باید بر این واقعیت تاکید نمود که اجرای ارزش منصفانه به عنوان یک مبنای اندازه‌گیری، از یک سو تحت

تاثیر طیف گسترده‌ای از عوامل قرار گرفته و از سوی دیگر می‌تواند بر عوامل متعددی اثر گذار باشد. بنابراین نمی‌توان به سادگی آن را تنها به عنوان یک تغییر در حوزه اندازه‌گیری و حسابداری در نظر گرفت و از سیاست‌های ابلاغی و دستوری برای بکارگیری آن استفاده نمود. تجربه بین‌المللی نیز نشان می‌دهد این موضوع حتی در محیط‌های اقتصادی پیشرفته به مرور زمان و با آماده‌سازی بسترهای اجرایی مختلف صورت گرفته است، تجربه‌های شکست در اجرای اولیه و دستوری استانداردهای IFRS توسط اتحادیه اروپا در اقتصادهای کوچک و در حال توسعه مثل یونان همچنین تجربه ترکیه و برخی کشورهای افریقایی تایید کننده این موضوع است. الزامی شدن تهیه صورت‌های مالی IFRS توسط شرکت‌های بورسی و مسکوت ماندن چند ساله آن در ایران خود نیز گواهی دیگر بر این موضوع است. موثر واقع شدن و درست عمل کردن این پارادایم اندازه‌گیری، منوط به سازگاری با بستر اجرا و فراهم بودن پیش‌نیازها و زیرساخت‌های کلان است. بستر اجرای ارزش منصفانه از ابعاد کلان را می‌توان از چهار جنبه اصلی مد نظر قرار داد و موانع پیش رو را در آن تحلیل نمود.

اول، عوامل کلان شامل ویژگی‌های محیط اقتصادی، قوانین و مقررات و سیستم‌های نظارتی در ایران.

محیط اقتصادی که ارزش منصفانه در آن اجرا می‌شود از اهمیت بالایی برخوردار است. ساختار و نگرش اقتصادی در ارزش منصفانه، اقتصاد آزاد است بنابراین اجرای ارزش منصفانه در محیطی که اقتصاد آزاد حاکم نیست (اقتصاد دولتی و شبه دولتی) و تصمیمات لزوماً منطبق اقتصادی ندارد (در چنین اقتصادهایی عموماً منطق حمایتی و مصلحتی از منطق اقتصادی پیشی می‌گیرد). و عموماً منطق حمایتی و مصلحتی از منطق اقتصادی پیشی می‌گیرد، موضوعیت خود را از دست می‌دهد. نمونه چین به عنوان یکی از بزرگترین اقتصادهای جهان مورد قابل ذکری است که ساختارهای حاکمیتی موجب شده است تا قاعده‌مند بودن معاملات بازار در آن مخدوش تلقی شده و از این بابت اقدام به مذاکره با نهاد استانداردگذار نموده است. از طرفی بسته بودن اقتصاد ناشی از عواملی مانند تحریم‌های اقتصادی و نبود سرمایه‌گذاری‌های خارجی شرایطی را رقم می‌زند که کارایی و ارزشگذاری در بازارها تحت الشعاع قرار می‌دهد. از طرفی وجود فساد اقتصادی با ماهیت ساختاری^{۳۶}، که کلیات و جهت‌گیری‌ها را در بازار تحت تاثیر قرار می‌دهد، منطق

خود را جایگزین منطق اقتصادی بازارها می‌کند. در چنین شرایطی با اینکه ممکن است امکان اندازه‌گیری عددی به عنوان ارزش منصفانه وجود داشته باشد اما در محتوای اطلاعاتی این عدد و ارزش پیش‌بینی‌کنندگی آن تردید وجود دارد. استفاده از ارزش منصفانه تا زمانی که تمامی مزایای اساسی آن از جمله سازوکارهای خوداصلاحی بازار و انعکاس سریع حقایق بازار تحت الشعاع قرار گرفته و به‌درستی عمل نکند، تنها به آثاری مانند عدم قابلیت اتکا، نوسانات شدید و ایجاد فراچرخگی می‌انجامد. از دیگر عوامل کلان می‌توان به قوانین و مقررات اشاره کرد. قوانین و مقررات مرتبط باید پذیرای رویکرد ارزش منصفانه باشد، عدم سازگاری در قوانین و مقررات در نهایت یا به طور کلی مانع اجرای ارزش منصفانه شده و یا در بهترین حالت کیفیت اجرای آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. قوانین ناظر بر بازارها، قانون بانکداری بدون ربا و قوانین و مقررات مالیاتی از جمله مواردی است که در بکارگیری ارزش منصفانه باید مورد توجه قرار گیرد و در صورت نیاز، اصلاح شود. جنبه کلان دیگر به سیستم‌های نظارتی مربوط می‌شود، همانطور که پیشینه مطالعات نیز نشان می‌دهد بکارگیری ارزش منصفانه به‌ویژه در شروع، نیازمند اعمال نظارت‌های دقیق است این تجربه در امریکا و اروپا به عنوان کشورهای پیشرو که در شروع با مشکلات متعددی مواجه بوده‌اند (بحران مالی ۲۰۰۸) زمینه اجرایی شدن و توسعه این معیار اندازه‌گیری را به خوبی فراهم نموده است. این نظارت باید در سطوح مختلف بر بازارها، بانک‌ها، نهادهای خدمات‌دهنده به گزارشگری مالی مانند ارزشگذاران و حساب‌برسان اعمال شود. برآیند نظرات در این مطالعه حاکی از ظرفیت‌های ناکافی نظارتی در سطح نهادهای نظارتی به خصوص در حرفه ارزیابی و ارزشگذاری است. تصحیح و ارتقای سازوکارهای نظارتی باید به گونه‌ای صورت گیرد که بتواند از کیفیت اطلاعات فراهم‌شده از طریق مبنای ارزش منصفانه اطمینان حاصل کند. نهادهای متولی می‌توانند از طریق وضع چارچوب‌های کنترلی مناسب ریسک تغییر مبنای اندازه‌گیری را کنترل کرده و از طرف دیگر با ارائه راهنماهای اجرایی، رایزنی برای حل و فصل مسائل سطح کلان و طراحی سازوکارهای تشویقی برای نهادهای اجرایی تحت نظر، انگیزه ایجاد کرده و فرآیند بکارگیری ارزش منصفانه را تسهیل کنند.

دوم، عوامل در سطح بازارها. در حقیقت بازار، خاستگاه ایجاد مبنای ارزش منصفانه است و منطق ارزش منصفانه بر پایه اطمینان به سازوکارهای خوداصلاحی بازارها بنا شده

است. ارزش منصفانه تغییرات در ارزش بازار را به سرعت و به دقت در صورت‌های مالی منعکس می‌کند و به هر دلیلی آن چیز که به عنوان قیمت‌های بازار قابل مشاهده است با واقعیت‌های اقتصادی فاصله داشته باشد، عیناً در صورت‌های مالی منعکس می‌شود و مبنای قضاوت و تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد. از طرفی ماهیت فراچرخگی ارزش منصفانه موجب می‌شود اثرات این فواصل در چرخه‌های اقتصادی تشدید شود و نوسانات غیرواقعی گسترده‌ای به همراه داشته باشد. از عوامل شناسایی شده که بین واقعیت‌های اقتصادی و قیمت‌های قابل مشاهده فاصله ایجاد می‌کند می‌توان به عدم شفافیت در بازارها، ضعف زیرساخت‌های اطلاعاتی و نبود اطلاعات مورد نیاز^{۳۷}، ناکارایی بازارها، کم عمق بودن بازارها و عدم قابلیت اتکای قیمت‌های قابل مشاهده اشاره کرد. البته موارد شناسایی شده در سطح کلان نیز به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر بازارها اثرگذار است به عنوان مثال یکی از عوامل بسیار مهم، قوانین و مقرراتی است که اولاً با ثبات نیست و ثانیاً، همیشه از منطق اقتصادی پیروی نمی‌کند که این امر خود می‌تواند متاثر از ساختار اقتصادی دولتی و شبه دولتی باشد.

سوم، عوامل در سطح محیط حرفه. در این بخش تمرکز بر توانایی‌های دست‌اندرکاران گزارشگری مالی است که در تمامی سطوح (اجرایی و نظارتی) در فرآیندهای اندازه‌گیری و ارزشگذاری به نوعی نقش دارند. در این زمینه ارزیابان و حسابرسان نقش بسزایی بر عهده خواهند داشت. در این سطح سه مسئله کمیت نیروی انسانی، کیفیت نیروی انسانی و کیفیت قضاوت حرفه‌ای مطرح است. دو مسئله اول از مسیر برنامه ریزی، آموزش و توسعه کسب و کارهای حرفه حسابرسی و ارزشگذاری تحقق پذیر است اما در ارتباط با قضاوت حرفه‌ای پیچیدگی‌های بیشتری وجود دارد. از طرفی در محیط‌های اقتصادی با بازارهای غیرفعال، کمتر توسعه یافته و کارایی پایین، دامنه اثرگذاری و نقش قضاوت‌های حرفه‌ای نیز گسترده‌تر می‌شود. بر این اساس موضوع قضاوت حرفه‌ای در ایران از اهمیت دوچندانی برخوردار بوده و به عنوان یک موضوع اصلی به پرسش گذاشته شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که علاوه بر اثرگذاری موضوعات واضحی مانند دانش، تخصص و اخلاق حرفه‌ای عوامل دیگری در کشور وجود دارد که حتی با وجود توان قضاوت‌های حرفه‌ای در میان اصحاب حرفه، امکان اعمال این قضاوت‌ها را محدود می‌سازد. عواملی مانند عدم تمایل به آشکارشدن زیان‌های انباشته پنهان، ضعف زیرساخت‌های اطلاعاتی و نبود

اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری، سیاست‌های دستوری حاکمیتی که لزوماً با منطق اقتصادی سازگاری ندارد، عدم استقلال در اعمال قضاوت‌های حرفه‌ای و همچنین پیچیدگی‌هایی در مدل کسب و کار بانک‌ها^{۳۸} که ماهیت و محتوای اجرایی چندگانه‌ای را بوجود آورده و امکان قضاوت حرفه‌ای در این موضوعات را غیر ممکن می‌سازد.

چهارم، عوامل در سطح نهاد متولی ارزشگذاری. در این زمینه برآورد می‌شود که ساختار فعلی ارزشگذاری در سطح کشور ظرفیت کافی مناسب برای اجرای ارزش منصفانه برای مقاصد گزارشگری مالی را ندارد. دو مسئله اصلی در نهادهای کانون کارشناسان قوه قضائیه و دادگستری مطرح است. یکی توان و ظرفیت اجرایی این نهادها (شامل استانداردگذاری، نظارت، آموزش و اعطای گواهینامه) و دیگری ماهیت و مأموریت قضائی این نهادها که لزوماً منطبق با اهداف گزارشگری مالی نیست. این موضوعات ضرورت ایجاد یک نهاد حرفه‌ای برای پذیرش یا تدوین استانداردهای ارزشگذاری و نظارت بر اجرای آنها را ایجاب می‌کند، که یافته‌های این مطالعه آن را تایید می‌کند. همان گونه که در پیشینه اشاره شد در سطح بین‌المللی، عموماً نهادهای مستقل تخصصی وجود دارد که تدوین استاندارد و یا پذیرش استانداردهای بین‌المللی ارزشگذاری و نظارت بر اجرای آنها را بر عهده دارند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان نتیجه گرفت که خطر بکارگیری ارزش منصفانه در سازوکار و ماهیت این معیار اندازه‌گیری است که مانند آیین‌های از بازارها عمل می‌کند و هرگونه خطا و اشتباهی را وارد صورت‌های مالی بانک‌ها می‌کند. به هر اندازه فاصله با شرایط مطلوب و دامنه این خطاها گسترده‌تر برآورد شود معایب استفاده از این رویکرد بر مزایای آن پیشی خواهد گرفت. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که این فاصله حداقل از لحاظ اثرات احتمالی بر صنعت بانکداری، به اندازه‌ای هست که اجرای یکباره و دستوری ارزش منصفانه را ناصواب و حتی غیر ممکن سازد. به نظر می‌رسد اجرای کامل ارزش منصفانه در صنعت بانکداری نیازمند توجه به مسائل کلان و آماده‌سازی زمینه‌های اجرای آن است. اصلاح رویکردهای کلان اقتصادی، بروزرسانی و شفاف‌سازی قوانین و مقررات در سطوح مختلف، نظارت کارا و اثر بخش (بر بانک‌ها، ارزشگذاران و حساب‌برسان)، توجه به جایگاه و اهمیت اعمال قضاوت‌های حرفه‌ای، برنامه‌ریزی برای توسعه و حرکت به سمت کارایی بازارها و ایجاد پایگاه‌های داده متغیرهای اقتصادی به روز و منسجم از جمله مولفه‌های سطح کلانی هستند که برای موفقیت بکارگیری مبنای ارزش منصفانه در سیستم بانکی ضرورت دارد.

محدودیت‌ها

ارزش منصفانه در صنعت بانکداری ایران اجرایی نشده است و اطلاعات واقعی از نتایج آن در دسترس نیست که در نتیجه امکان بررسی‌های تجربی عمیق‌تر در این مطالعه فراهم نشده است. از سوی دیگر این محدودیت موجب می‌شود تا تسلط دست‌اندرکاران گزارشگری مالی بانک‌ها بر الزامات و مفاهیم ارزش منصفانه نیز کامل نباشد که در عمل بر پاسخ‌دهی آنها به سوالات تحقیق، می‌تواند بالقوه اثر داشته باشد.

پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی

- بررسی سازوکارهای اجرایی توسعه بازارها در سطح کشور (بازارهای مالی و کالا)
- بررسی سازگاری قوانین و مقررات مالیاتی با الزامات استاندارد اندازه‌گیری ارزش منصفانه در صنعت بانکداری
- طراحی چارچوب‌های نظارتی مناسب برای اجرای ارزش منصفانه در صنعت بانکداری با توجه به کاستی‌های بازارها و نوسانات اقتصادی در ایران

یادداشت‌ها

۱. این مقاله بخشی از پروژه تحقیقاتی گسترده‌ای است که در پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به انجام رسیده است.
2. International financial reporting standards
3. Fair value measurement
4. Brian Wesbury
5. Lisa Koonce
۶. ویژگی‌های متفاوت در قراردادهای بانکداری اسلامی و تفاوت‌هایی که در محتوا و اجرای آن وجود دارد ارزش منصفانه را تحت تاثیر قرار می‌دهد زیرا در تعیین ارزش منصفانه هر ویژگی قراردادی در قیمت‌گذاری آن موثر می‌باشد. از طرفی سازوکار تقسیم سود و زیان ناشی از ارزش منصفانه نیز چالش برانگیز بوده و نیازمند بررسی‌های بیشتری می‌باشد.
7. Exit price
8. Unrealized gains
9. Exit value
10. Clean Surplus Accounting
11. Usefulness of Information
12. Relevance
13. Faithfull Representation
14. Comparable
15. Verifiability
16. Timeless

17. Understandability
19. Quoted / unquoted
20. در ارتباط با پژوهش‌های داخلی به خصوص در ارتباط با صنعت بانکداری مطالعات معتبر بسیار محدود می‌باشد.
21. افراد و گروه‌هایی که امکان پاسخ دادن به سوالات را دارند.
22. Functional
23. دربی شایر و مک دونالد (۲۰۰۴)
24. به دلیل عدم اجرای IFRS در ایران و عدم آشنایی کامل با IFRS در جامعه مورد بررسی به عنوان یک محدودیت، همان‌طور که در بخش اصول ناظر بر طراحی سوالات تشریح شد، به جای استفاده از زبان فنی استانداردها، تا حد امکان محتوای آن مورد سوال قرار گرفت تا آشنایی نسبی با مفاهیم IFRS برای پاسخ به سوالات طراحی شده کفایت داشته باشد. به علاوه در جایی که استفاده از زبان فنی اجتناب‌ناپذیر بود، توضیحات مفهومی در حد ضرورت ارائه شده است.
25. اسکولموسکی و همکاران ۲۰۰۷
26. به دلیل اهمیت این طبقه، نمونه‌گیری انجام نشده و تمام شماری صورت گرفته است.
27. در این ساختار پاسخ‌دهی از پرسش‌شوندگان خواسته شد تا از جایگاه نهادی و در قالب تیمی با مشارکت کارشناسان مربوطه و با مسئولیت بالاترین مدیر اجرایی مستقیماً درگیر و مسلط به فرآیند گزارشگری بانک به پرسشنامه پاسخ داده شود.
28. تمام حساب‌رسانی که در ۱۰ سال اخیر سابقه حسابرسی بانک داشته‌اند.
29. گروه‌های مستقل نظارت بر بانک‌ها
30. کارشناسان اداره ناشران سازمان بورس
31. Pilot test
33. Reliability
32. Validity
34. ANOVA
35. برای دسته‌بندی پاسخ‌ها در این آزمون از دسته‌بندی فیشر استفاده شده است.
36. فساد اقتصادی ساختاری خود می‌تواند معلول فاصله گرفتن از منطق اقتصادی، توسعه کارایی و فعالیت‌های مولد اقتصادی باشد.

۳۸. ماهیت بانکداری بدون ربا با محتوای اجرایی ۳۷. به عنوان نمونه، عدم اجماع در تعیین نرخ بازده که گرایش به بانکداری رایج بین‌المللی دارد و بدون ریسک و صرف ریسک پایه که یکی از نهایتاً در قالب هیچ کدام قابل طبقه‌بندی نیست. متغیرهایی اساسی در اندازه‌گیری ارزش است.

منابع

عقیلی کرمانی، پرویز. (۱۳۸۱). مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه با بانکداری بدون ربا، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری. ثقفی، علی. (۱۳۸۱). نقد بهای تمام‌شده تاریخی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. ۱۹(۱). حاجی کرمانی، سمیرا؛ معین‌الدین، محمود؛ حیرانی، فروغ. (۱۳۹۵). تاثیر کاربرد ارزش منصفانه در گزارش‌های مالی در بهبود ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری، مجله پژوهش‌های تجربی حسابداری. ۷(۲۶).

رحمانی، علی؛ علی‌پور، شراره. (۱۳۸۹). موانع پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در ایران. فصلنامه مطالعات حسابداری، ۳(۲۷)، ۷۵-۹۹.

سلیمانی‌امیری، غلامرضا؛ جعفری‌نسب کرمانی، ندا. (۱۳۹۵). چالش‌های حسابرسی ارزش‌های منصفانه و سایر برآوردها. پژوهش حسابداری ۶(۴)، ۱۲۸-۱۴۴.

کریمی، غلامرضا؛ بیک‌بشرویه، سلمان. (۱۳۹۶). تدوین مدل پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه در ایران با تأکید بر اندازه‌گیری. بررسی‌های حسابداری و حسابرس ۲۴(۴)، ۵۷۳-۵۹۶.

Aghili kermani, P. (2002). Risk Management in conventional Banking Compared to Riba-Free Banking, *Proceedings of the 13th Islamic Banking Conference, Tehran: Iran Banking Institute*. [In Persian].

Bank, E.C. (2001). Fair value Accounting in the Banking Sector. *Comments of the ECB on proposals of the financial instruments joint working group*.

Barth, M., & Landsman, W. (1995). Fundamental Issues Related to Using Fair value Accounting for Financial Reporting. *Accounting Horizons*, 9(4), 97-107.

Bird, A., & Ruchti, T. G. (2014). Costs and Benefits of Fair Value Accounting: Evidence from the Crisis. *SSRNElectronic Journal*.

Blankespoor, E., Linsmeier, T. J., Petroni, K. R., & Shakespeare, C. (2013). Fair Value Accounting for Financial Instruments: Does it

- Improve the Association between Bank Leverage and Credit Risk?. *The Accounting Review*, 88(4), 1143-1177.
- Chambers, R. J. (1972). Measurement in Current Accounting Practice: A Critique. *The Accounting Review*, 47(3), 488-509.
- Chang, Y. L., Liu, C. C., & Ryan, S. G. (2018). Accounting Policy Choice during the Financial Crisis: Evidence from Adoption of the Fair Value Option. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*
- Darbyshire, P., & McDonald, H. (2004). Choosing Response Scale Labels and Length: Guidance for researchers and clients. *Australasian Journal of Market Research*, 12(2), 17-26.
- Ding, Y., & Su, X. (2008). Implementation of IFRS in a Regulated Market. *Journal of Accounting and Public Policy*, 27(6), 474-479.
- Enria, A., Cappiello, L., Dierick, F., Grittini, S., Haralambous, A., Maddaloni, A., & Poloni, P. (2004). Fair value Accounting and Financial Stability. *ECB Occasional Paper*, (13).
- Filip, Andrei Hammami, Ahmad Huang, Zhongwei Jeny, Anne. (2017). Literature Review on the Effect of Implementation of IFRS 13 Fair Value Measurement. *IFRS foundation*.
- Freeman, W., Wells, P., & Wyatt, A. (2017). Measurement Model or Asset Type: Evidence from an Evaluation of the Relevance of Financial Assets. *Abacus*, 53(2), 180-210.
- Freixas, X. and D.P. Tsomocos. (2004). Book vs Fair Value Accounting in Banking, and Intertemporal Smoothing. *Fair Value Accounting in Banking, and Intertemporal Smoothing*
- Godfrey, J., Hodgson, A., Tarca, A., Hamilton, J., & Holmen, S. (2010). *Accounting*. John Wiley & Sons, Inc.
- Goh, B. W., Li, D., Ng, J., & Yong, K. O. (2015). Market Pricing of Banks' Fair Value Assets Reported under SFAS 157 since the 2008 financial crisis. *Journal of Accounting and Public Policy*, 34(2), 129-145.
- Hajikermani, S., Moeinaldin, M., Heyrani, F. (2016). The Impact of Applying Fair Value in Financial Reports on Improving the Value Relevance of Accounting Information, *Journal of Empirical Accounting Research*. 7 (26). [In Persian].
- IFRS Foundation;(2018). *Conceptual Framework for Financial Reporting*.
- International Accounting Standards Board. (2013). Fair Value Measurement (IFRS13), *IFRS Foundation*.
- International Accounting Standards Board. (2014). Financial Instruments (IFRS9), *IFRS Foundation*.
- International Valuation Standards Council. (2020). *International Valuation Standards*

- Karami, G. & Beykbashroye, S. (2016). Developing a Model for Implementing Fair value System in Iran with an Emphasis on Measurement. *Accounting and Auditor Reviews* 24 (4), 573-596. . [In Persian].
- Knott, Samuel, Richardson, Peter, Rismanchi, Katie, Sen, Kallol. (2014). Understanding the fair value of banks' loans, *Financial Stability Paper*, No. 31,1-17.
- KPMG. (2019). Fair value Measurement Questions and Answers us GAAP & IFRS standards.
- Landsman, W. R. (2006). Fair value Accounting for Financial Instruments: Some Implications for Bank Regulation
- Lawshe, C. H. (1975). A Quantitative Approach to Content Validity. *Personnel psychology*, 28(4), 563-575
- Menicucci, E. (2014). Fair Value Accounting: Key Issues Arising from the Financial Crisis. *Springer*.
- Nissim, D. and S.H. Penman. (2007). Fair value Accounting in the Banking Industry.
- Novoa, A., J. Sole, and J.G. Scarlata. (2009). Procyclicality and Fair value Accounting. Vol. 9. *International Monetary Fund*.
- Pozen, R. C. (2009). Is it Fair to Blame Fair value Accounting for the Financial Crisis?. *Harvard Business Review*, 87(11), 84-92.
- Rahmani, A. & Alipour, S. (2009). Barriers to Adoption of International Accounting Standards in Iran. *Journal of Accounting Studies*, 3 (27), 75-99. [In Persian].
- Ryan, S. G. (2008). Fair value Accounting: Understanding the Issues Raised by the Credit Crunch. *Council of Institutional Investors*. 1-24.
- Saghafi, A. (2002). Historical price critique. *Accounting and auditing reviews*. 9 (1). [In Persian].
- Sanchez, M. (1992). Effects of Questionnaire Design on the Quality of Survey Data. *The Public Opinion Quarterly*, 56(2), 206-217.
- Soleimani Amiri, G. & Jafarinasab Kermani, N. (2015). Challenges of Auditing Fair Values and other Estimates. *Accounting Research* 6 (4), 128-144. [In Persian].
- Song, X. (2015). Value relevance of fair values—Empirical evidence of the impact of market volatility. *Accounting Perspectives*, 14(2), 91-116.
- Sterling, R. R. (2021). Conservatism: The Fundamental Principle of Valuation in Traditional Accounting *Routledge* ,329-352.
- Zuell, C., & Scholz, E. (2016). 10 Points Versus 11 Points? Effects of Left-right Scale Design in a Cross-national Perspective. *ASK. Research and Methods*, 25(1), 3-16.